

نشده بود تحصیل و تحمیل آن را افسانه پنداشته‌اند بدین سبب هم خود را بفرستادن اطفال بمدرسه گماشته‌اند زیرا که در علم حساب جز خلاصه الحساب شیخ بهائی در دست نداشتند و بعضی از مسائل همان کتاب را عتق نفیس و گوهر نمین می - پنداشتند و از آموختن بدیگران دریغ داشتند و در اخفاء آن مبالغت مینمودند چنانکه شیخ مرحوم در آخر خلاصه در این باب وصیت فرموده‌اند و حال شاگردان مرتبه دوم و سوم مدرسه مبارکه بچندین درجه بهتر و کاملتر از خلاصه می‌توانند نوشت و چندین اعتراض وارد برپاره‌ای مسائل آن کتاب می‌توانند نمود. و همچنین از هندسه جز تحریر اقلیدس نداشتند و اگر چند مقاله از تحریر آموخته بودند همان علم فقط بود که ربطی بعملی مطلقاً نداشتند و حال در مدرسه مبارکه مهندسین کامل علماً و عملاً تربیت شده‌اند که اضعاف مسائل و اشکال آن کتاب ملکه ایشان است. و همچنین در علم جبر و افعال جز نمونه‌ای در دست نداشتند مثل قیام و منتقله^۱ و اسباب عساری اصفهان، و حال در این، کتابها و رسائل نوشته‌اند و مهارت تمام نموده و آلات و ادوات این صناعت را می‌توانند ساخت. و همچنین از علم تشریح که جز بدیدن و تشریح نمودن کامل نمیتوان کرد سوای الفاظ و عبارات از کتب قدیمه چیزی نمیدانستند حال تشریحات مختلفه فرنگستان را دیده‌اند و در عمل ید در کمال بصیرت شده‌اند و هر یک از شاگردهای طب رساله‌ها در فنون طبابت و تشریح نوشته‌اند و همچنین سایر علوم مثل فیزیک و تلگراف و عمل ید و پیاده نظام و سواره نظام و توپخانه و نقشه کشی و دورنما سازی که مطلقاً در این مملکت معمول نبوده است، در هر یک از این علوم شاگردهای کامل و آزموده و امتحان کرده شده تربیت شده‌اند و چون بعضی از شاگردها از حیث صغر سن سواد و ربط فارسی و عربی نداشتند و ملاحظه آداب ملتی از اهم مهمات بود با احترام شرع مبین آقا شیخ محمد صالح را که یکی از اهل علم و معروف بکمال زهد و تقوی بود و دریکی از حجرات مدرسه منزل داده که اطفال را خط و ربطی فارسی و عربی [بیاموزد]

۱- این کلمه در متن چاپی روزنامه وقایع اتفاقیه منتقله و منقله هر دو خوانده میشود.

و مسائل دینیہ نماز با او بگذارند و چون بعضی از اهل ایران هنوز معتقد طبابت فرنگستان نبودند محض اطلاع و استحضار شاگردهای طب از طب متداول ایرانی، میرزا احمد حکیم باشی کاشانی را که عملاً و علماً سرآمد اطبای ایران است معین فرمودند که در مدرسه مبارکه طب ایرانی نیز درس بگویند و بیاموزد، چون اکنون اهل ایران دانستند که از مرحمت اعلیحضرت شاهنشاهی درباره ایشان از تربیت اطفال دارالفنون چه پایه ترقیات برای اطفال و منافع بسیار برای این دولت بی‌زوال حاصل شده و هر یک از شاگردان که با هزار واسطه و وسائط بمنصب و کیلی یا سلطانی در افواج قاهره و یا منصب پست در سایر خدمات دولتی برقرار میشدند محض تحصیل در مدرسه مبارکه و ترقی در علم هر یک بقدر شایستگی علم او بمنصب عالیة سرهنگی در افواج قاهره و ریاست طبابت بلاد و مناصب خارج از فوج و مترجمی وزارت خارجه و امورات داخله برقرار شده بر هر یک از افراد اهل ایران از شاهزادگان و وزراء و صاحبان مناصب و تجار و اهل حرفه لازم است که اولاد خود را بی تربیت نگذاشته مشغول این علوم کنند.

ولی چون علی العجالة همین شاگردها که اکنون در مدرسه مبارکه دارالفنون و مدرسه دارالسلطنه تبریز هستند و آنچه فارغ التحصیل شده در خارج مشغول خدماتند و شاگردان زیاد که با حسنعلی خان وزیر مختار دولت علیه ایران مقیم دارالملک پاریس بریاست عبدالرسول خان سرهنگ برای تحصیل هر علم و صنعتی مأمور شده برای خدمت دولت کفالت می‌کند، موجب جدید بشاگردان جدید مرحمت نمیشود مگر اینکه بمدرسه دارالفنون رفته تحصیل نمایند. و محض عنایت در حق اهل ایران هر کس خواسته باشد، اولاد خود را بتحصیل این علوم بگذارد ملبوس و نهار مرحمت خواهد شد و بعد از آنکه فارغ التحصیل شدند و تصدیق اعتضاد السلطنه وزیر علوم را گرفتند فراخور هر یک و مناسب علم ایشان، بایشان مناصب الثقات خواهد شد و تفصیل تحصیل آنها و مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه جهان پناه از این قرار است که اگر این متعلمین در دارالخلافة باهره

باشند پیش اعتضاد السلطنه وزیر علوم رفته و او باجازه اولیای دولت برضاقلی خان رئیس مدرسه دارالفنون و نایب اول وزیر علوم سپرده بهر علمی که شایسته باشد او را بگذارد و اگر در دارالسلطنه تبریز باشند پیش عزیزخان سردار کل رفته او را بمحمد صادقخان رئیس مدرسه تبریز و نایب دوم وزیر علوم سپرده تا مشغول تحصیل شوند و اگر در سایر بلاد باشند پیش حاکم آن ولایت رفته بعد از آنکه در آن بلد عدد معین بده رسید حاکم آن ولایت تفصیل را بوزیر علوم اظهار داشته و او بعرض خاکپای مبارک رسانیده حسب الحکم شاهنشاهی معلم برای ایشان فرستاده قرار ملبوس و نهار آنها را داده در هر جائی که حاکم ولایت صلاح داند مشغول تحصیل شوند. هر سالی در اواسط حوت در دارالخلافه و سایر بلدان ایران استادان و فضلاء صاحب فن متعلمین را امتحان کرده و در مرتبه ترقی اول نشان مس مرحمت میشود و در مرتبه دوم نشان نقره با انعامی فراخور احوال هر يك و ترقی او در مرتبه سوم نشان مطلا با جزئی مواجب و در مرتبه چهارم که فارغ التحصیل شده نوشته از وزیر علوم بتصدیق معلم خود گرفته منصب نظام خارج یا داخل و شغل های فراخور علم او و مواجبی موافق منصبش بانسان طلا مرحمت میشود و چنان تصور نشود که تمام این تلامذ باید پنجسال یا بیشتر فارغ التحصیل شوند بلکه این مرحله نسبت بهوش و ادراک و زحمت تحصیل آن شاگرد است. گاه میشود در یکسال یا دو سال فارغ التحصیل است و گاه میشود در زمان بسیار ترقی جزئی برای او پیدا میشود. تمام حکام باید تفصیل این روزنامه را گوشزد خاص و عام دارند تا جلب این مرحمت تازه اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی که درباره اهل ایران شده [بشود] و علاوه بر دعا گوئی های سابق پیوسته بدعای عمر و دولت روز افزون مشغول باشند.

بیانیه ای که نقل شد دارای دو قسمت است یکی تعریف و تمجید از پیشرفت علوم در مدرسه و مقایسه وضع علمی سابق و لاحق که جنبه تبلیغاتی آن آشکار است دیگر ترتیب پذیرفتن شاگرد و نبودن محل برای پرداخت مواجب و غیره، مختصر بحثی در قسمت دوم لازم بنظر میرسد:

وقتی بنا باشد پدری برای ثبت نام فرزند خود در مدرسه مجبور باشد بوزیر علوم مراجعه کند و او باجازه اولیای دولت بر رئیس مدرسه دستور پذیرفتن آن شاگرد را بدهد پیداست که مردم چه حالی پیدا می کنند. بغیر از شاهزادگان و اعیان و مقرران دربار، هیچکس نمیتواند فرزند خود را بمدرسه بگذارد زیرا نه همه کس بوزیر علوم دسترسی دارد و نه هر کسی حاضر است دنبال این کار برود. خاصه با تشریفات آن روز که این کار تقریباً بمنزله ممانعت از پذیرفتن شاگرد بوده است. همین حکم داشته است ملاقات عزیز خان سردار کل در تبریز. از طرف دیگر با این عمل اصل توصیه و تشبث در کار تحصیل رواج می یافت و برای ساده ترین حق زندگی، مردم ناچار بودند باین در و آن در بزنند و واسطه بتراشند که آیا درخواستشان قبول شود یا نه...

پس عملاً معنی این بیانیه ایجاد اشکال در راه تحصیل و ورود بمدرسه بوده است. و آن گهی تبعیض در میان محصلین که یکی مواجب بگیرد و دیگری از حقوق موروثی استفاده کند و سومی از هر دو بی بهره بماند و چیزی نگیرد خود عاملی برای دلسردی یا مأیوس کردن محصلین بود.

باز وقتی بطور صریح مینویسند که وجود شاگردان فعلی و آنانکه فارغ التحصیل شده اند برای خدمت دولت کافی است، معنی آن اینست که مدرسه برای تربیت «خدمتگزار دولت» است و بعد از این هم بآن خیلی امید نداشته باشید. اگر روز اول مدرسه دارالفنون را مانند مدرسه های قدیم برای تحصیل بقصد قربت و بدون منظور مادی گشوده بودند و آن دموکراسی علمی عجیب ایران را که غنی و فقیر و وضع و شریف در طول هزار سال از آن برخوردار بودند، رعایت نموده بودند و یا اقلاً احتیاجات ایران را از نظر وجود افراد دانشمند و متخصص پیش بینی کرده و زمینه تحصیل و تربیت را باین زودی محدود نموده بودند، شاید بآسانی امید مردم از این مؤسسه مبدل بیأس نمیکردید و طولی نمی کشید که از میان طبقات مختلف مملکت افراد هوشیار و زیرکی بمدرسه راه می یافتند و در

سایه تربیت استادان خارجی از فنونی که مورد حاجت ایران بود آموخته و ماهر میشدند و بتدریج نیازمندی ایران از اروپا رفع میشد و دیگر برای هر کار فنی و علمی، محتاج نبودند که دست حاجت پیش دیگران دراز کنند.

بدتر از همه اینکه دولت صریحاً وعده داده بود که در ولایات، هر جا ده نفر داوطلب پیدا شد معلم فرستاده و مدرسه تأسیس میشود. در صورتیکه دولت معلم و سایر کافی در اختیار نداشت و اگر واقعاً مردم در صدد استفاده از این وعده برمی آمدند و با معرفی داوطلب تقاضای تأسیس مدرسه میکردند دروغ یا عجز دولت آشکار میگشت.

در نتیجه این طرز فکر و این قسم عمل، دارالفنونی که بیست سال پیش از دارالفنون توکیو تأسیس شد، و در آغاز کار شاگردان برجسته‌ای تربیت کرد، در آخر کار بروزی افتاده بود که غالباً مدیر و ناظم و اعضای بایست اوقات خود را بدفاع از حمله‌های کودکانه عزیزالسلطان و همبازیهایش مصروف دارند. در دفاتر یومیة دارالفنون بارها نوشته شده است: امروز مقرب الخاقان، عزیزالسلطان با سی چهل نفر از بیجه‌های کوچک وارد حیاط دارالفنون و مانع از کار محصلین شدند. یا نسبت بکارکنان مدرسه خیلی بی احترامی کرد. یا آنکه با سنگ و چوب دروینجره و شیشه‌های مدرسه را شکست یا آنکه امروز اعضای مدرسه از معلمین و مدیر و ناظم و محصلین بنسبیت تصادف با روز عروسی مقرب الخاقان عزیز- السلطان برای آوردن جہاز عروس مدرسه را تعطیل کرده بودند.^۱

لرد کرزن که در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه بطهران آمده است در باره

مدرسه چنین مینویسد:

« در روز درس غالب این اطاقها را گردش نمودم و در اطاق فرانسه، شاگردان پس از دریافت کردن چند لغت از معلم، حکایات کوچک ترکیب می- کردند و از کتاب تلماک دیکته مینمودند و همان کتاب را نیز بفارسی ترجمه

۱- توضیح و تفسیر بیانیه با استفاده از نظریات آقای محیط طباطبائی نوشته شده است.

میکردند و در طبقه دیگر شاگردان از حفظ نقشه آسیا یا اروپا را روی تخته کشیده و شهرها و جبال و رودهای آن را بیان میکردند و در اطاق نقاشی شاگردان از روی سرمشق‌های اروپا نقاشی مینمودند و در تمام دیوار آن اطاق پرده‌های نقاشی و سیاه قلم و غیره آویخته بود... از مخارج و قانون مدرسه سؤال کردم، جواب دادند که دولت سالی ۳۰۰۰۰ تومان بجهت مخارج مدرسه بمخبرالدوله وزیر علوم میدهد و همه گونه اشخاص میتوانند داخل مدرسه شوند و اطفال ده ساله و دوازده ساله در مدرسه قبول شده و تا مدت شش یا هفت سال در آنجا تحصیل مینمایند و دولت سالی دو دست لباس بشاگردان مدرسه میدهد یکدست تابستان و یک دست زمستان، و چهار یومیة شاگردان نیز با دولت است و در امتحان کل نشان یا درجه با مواجب جزئی نیز بایشان عطا خواهد کردید و شاگردان از هشت ساعت قبل از ظهر^۱ وارد مدرسه شده و سه ساعت بعد از ظهر از درس فارغ میشوند ولی ایام تعطیل آنها زیاد است، بیشتر بواسطه اعیاد و ایام متبر که مثلاً در عید نوروز ۱۷ روز مدرسه بسته است و در رمضان ۳۲ روز و در محرم ۱۵ روز و در تابستان ۶۰ روز و چون این ایام را با اعیاد جمعه و غیرها جمع نمائیم، معلوم میشود که مدرسه سالی شش ماه بیش مفتوح نیست و از قراریکه میگفتند غالب شاگردان تنبل‌اند و وضع تنبیه مدرسه بدین قسم است: که اگر خطائی جزئی کرده باشد، خود معلم او را کف‌دستی میزند و اگر خطایش قدری بزرگتر باشد یا آنکه بکل درس خود را نیاموخته باشد معلم اسم آن شاگرد را در روزنامه نوشته و نزد ناظم میفرستد و ناظم بجهت تنبیه شاگردان سه نوع سیاست معین کرده است:

قسم اول آنست که تفنگ فتیله‌ای سنگینی در دست شاگرد داده و میگوید یکساعت یا دو ساعت باید بهمین نحو بایستی و قسم ثانی آنست که سرداری شاگرد را کنده و چند شلاق فراشان پشت او میزند و اگر زیاد مستوجب عقوبت

۱- مراد ساعت هشت صبح است.

باشد آنوقت بقیس ثالث که چوب و فلك است او را تنبیه مینمایند و یکی از معلمین میگفت که مواجب مدرسه غالب، زیاد عقب می افتد چنانچه مواجب امسال را سال دیگر میدهند.

از نوشته کرزن، هر چند که نسبت بایران خوش بین نبوده است، برمی آید که مدرسه رو با انحطاط رفته و ظاهراً تصمیم دولت در باره پذیرفتن شاگرد تغییر کرده بوده است زیرا «همه گونه اشخاص میتوانستند داخل مدرسه شوند» و هنوز از دوره تحصیل در مدرسه هم کاسته نشده بود.

با همه اینها مردم نسبت بمدرسه اقبال زیاد داشتند چه در سالنامه سال ۱۳۰۰ قمری منضم به جلد سوم منتظم ناصری عده محصلین دارالفنون را ۲۶۲ نفر نوشته اند.

توجه مظفرالدین شاه بمدرسه - مظفرالدین شاه نیز گاهی نسبت بمدرسه ابراز عنایتی مینمود.

یکی از این موارد را مؤلف کتاب افضل التواریخ در جزء ۲۷ و ۲۸ چنین شرح داده است:

«بندگان اقدس همایون با کمال میلی که بنشر ترقیات علوم دارند روز سه شنبه بیست و پنجم ذی الحجة الحرام وقت عصر محض ملاحظه انتظام مدرسه مبارکه دارالفنون دولتی و امتحان شاگردان تشریف فرمای آنجا شدند. جمعی از وزرای عظام دولت نیز حضور داشتند. جعفر قلی خان نیرالملک وزیر علوم برادر مرحوم علی قلی خان مخبر الدوله وزیر داخله و وزیر علوم، و ادیب الدوله ناظم مدرسه مبارکه و سایر اعضاء رئیسه مدرسه مبارکه مراسم استقبال و تعظیم قدوم مبارک همایون را بجا آورده در صحن جدید معلمین و روساء و اعضاء مدرسه را یکان یکان به حضور همایونی معرفی کردند. بندگان اقدس همایون اول بتالار بالاخانه مدرسه که مخصوص جلوس ذات اقدس شاهانه بود و انواع تشریفات در آنجا حاضر کرده

۱- نقل از کتاب ایران و سؤالات ایران نسخه خطی متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی

بودند تشریف فرما شدند. فوراً شاگردان نظامی مدرسه از پیاده نظام و توپخانه و غیره با اجازه سلطانی شروع بمشق نظامی و ژیمناستیک نموده ساعتی خاطر همایون بنظاره مشق و تحسین شاگردان مشغول بود. پس از آن بندگان اقدس همایون بعکاس خانه مدرسه و بعد بمحل مشق موزیک تشریف برده بهنرها و تربیت شاگردان این فنون تحسین فرمودند. از آن پس بصحن مدرسه مبارکه تشریف آورده بتمام اطاقهای طبقات محصلین از هندسه و حساب و طب و تشریح اجسام و فیزیک و شیمی و هیئت و ژغرافی و نقشه کشی و السنه خارجه و علم معدن و فن نقاشی تشریف برده در هر اطاق قدری توقف کرده از مراتب زحمات هر یک از طبقات آگاهی حاصل کردند و محض مزید تشویق اهالی مدرسه و عموم محصلین يك مبلغی هم انعام نقدی درباره آنها مبذول داشتند و پس از آن بمقر سلطنت عظمی رجعت فرمودند» پس از آن مؤلف تاریخچه مختصری از مدرسه را باین شرح آورده است:

«این مدرسه در عهد سلطنت شاهنشاه شهید انارالله برهانه تأسیس و ایجاد شده گذشته از معلمین و رؤسای مدرسه هر یک از شاگردان که تقریباً صد و پنجاه نفر میشوند از ابتدای تحصیل دارای مواجب سالیانه شده و سالی دودست رخت ماهوت نظامی که در نهایت نظافت و سنگینی قیمت و ظرافت است بهر یک از شاگردان مرحمت میشود. طرز منظم و نظم مسلمی دارد. جمیع روساء و شاگردان در این مدرسه صرف نهار می کنند که دولت متحمل آنهمه مخارج است. تقریباً سالی بیست و پنجهزار تومان بمصارف این مدرسه میرسد. الحق در هر فنی از فنون شاگردان خوب از این مدرسه بیرون آمده که در آن فن در هر دولتی استاد بوده اند و تصدیق و تکذیب ورد و قبول و امضاء و نکولشان در مسائل علمی آن فن محل اعتماد و اعتناء اساتید دول خارجه شده است ...»

در دوره های بعد از مظفرالدین شاه مدرسه همچنان در حال تنزل بود زیرا «اعلان مشروطیت در ایران با همه فوایدی که در مسائل اجتماعی و سیاسی ایران داشت برای معارف مملکت چندان مفید نیفتاد و باعث پیشرفت و ترقی معارف

ایران نسبت بسالهای پیش از مشروطیت نشد...^۱

انقلابات بعد از مظفرالدین شاه ضعف و تزلزل و عدم ثبات دولتهای ایران در سالهای پیش از جنگ بین المللی اول و حوادث دوران جنگ مجال توجه باین موضوع را بزمامداران کشور نمیداد. پس از آن نیز با مجزی شدن قسمت‌های طب و نظام از دارالفنون و تأسیس مدارس عالی دیگر بتدریج آن مدرسه بصورت دبیرستانی درآمد ولی با وجود این معلمین برجسته‌ای در آن تدریس میکردند چنانکه خود این بنده یاد دارد که شخصیت‌هایی چون مرحوم احمد بهمنیار، مرحوم فاضل تونی و آقایان دکتر سیاسی و همایی که پس از تأسیس دانشگاه سمت استادی یافتند در آن دبیرستان که همچنان بنام دارالفنون نامیده میشده تدریس مینمودند. نام دارالفنون آن‌دک زمانی به دبیرستان امیر کبیر تغییر یافت ولی دوباره به همان نام اصلی نامیده گشت و هنوز هم نامیده میشود.

اقدامات بعدی در زمینه بسط معارف جدید ایران تا ایجاد دانشگاه

۱- اعزام محصل بارویا - در زمان فتحعلی شاه و محمدشاه کم و بیش پای محصلین ایرانی بارویا باز شده بود. بهمان نسبت که روابط ایران با اروپا توسعه می‌یافت فکر اعزام محصل بخارج نیز نیرو میگرفت و کم کم برای طبقه مرفه و متمکن عادی می‌گشت.

در ۱۲۷۲ که فرخ خان امین‌الملک کاشانی سفارت اروپا رفت دو تن از محصلین با استعداد ایران یعنی میرزا رضا پسر میرزا مقیم مازندرانی و دیگری میرزا حسین ولد میرزا احمد افشار همراه او بودند. این دو در پاریس بتحصیل طب پرداختند زیرا که در طهران در این رشته تحصیلاتی داشتند و میرزا حسین خود طبیب زاده بود. سومین ایشان میرزا علینقی پسر حاج اسمعیل پیشخدمت سلام بود که سمت نیابت اول سفارت را داشت اما وی پس از ورود بپاریس فوراً کارهای

۱- تاریخچه معارف ایران مجله تعلیم و تربیت س ۴ ش ۷ و ۸ ص ۴۵۹ بعد

دیگر را کنار گذاشته مشغول تحصیل طب شد.^۱

باز گشت فرخ خان از اروپا مصادف شد با فارغ التحصیل شدن محصلین دوره اول دارالفنون. عده‌ای با استعداد پنج شش سال زیر نظر معلمین اروپائی درس خوانده و بتحصیلات جدید آشنا شده بودند. شاه از این اقدام خود خوشنود بود. اعتضاد السلطنه ترقی آنها را نشانه لیاقت خود میدانست. بنابراین زمینه برای تحصیلات عالی آنها آماده بود. دربار ایران صلاح دانست که این محصلین را بسرپرستی یکی از مردان کارآزموده بارویا بفرستند و در این صلاح اندیشی فکر فرخ خان نیز مؤثر بود.

بعلت اینکه روابط ایران و فرانسه گرم تر از روابط دیگر دولتها بود، فرانسه برای اعزام این عده انتخاب شد. حسنعلی خان امیر نظام گروسی سفارت مأمور گشت و ۴۲ نفر فارغ التحصیل دارالفنون^۲ بسرپرستی عبدالرسول خان نواده حاج محمد حسین صدر اصفهانی که خود نیز از همان فارغ التحصیلها بود اما جربزه و استعداد بیشتر داشت بقصد تحصیل همراه او شدند.^۳

انتخاب محصلین در اوایل ماه رجب ۱۲۷۵ بعمل آمد و روز هشتم شعبان حسنعلی خان بارویا حرکت کرد و روز ۲۷ اعتضاد السلطنه محصلین را خود بیایغ سرودستان برد و بحضور شاه معرفی نمود.^۴

شاه برسم معمول هر ساله شاهی اشرفی بایشان عیدی داده اعتضاد السلطنه مراتب تحصیل هر يك را بعرض رسانید و شاه آنها را مرخص نموده دستور داد که روز ۵ رمضان ۱۲۷۵ هجری قمری حرکت کنند.^۵ محصلین روز ۶ رمضان از طهران بعزم تبریز حرکت کردند و در آنجا بهیئت سفارت ملحق شده جمعا از طریق خوی و ارزروم و طرابوزان و دریای سیاه باسلامبول و از آنجا از راه دریای

۱- مقالات آقای محیط طباطبائی درباره اعزام محصل بارویا در روزنامه شفق سرخ شماره ۲۳۹۲ - ۱۵ تیر ۱۳۱۲ بعد و مرآت البلدان ج ۲ ص ۹۷ - ۲- همه از فارغ التحصیلهای دارالفنون نبودند ۳- مرآت البلدان ج ۲ ص ۲۳۵ - ۴- مقالات آقای محیط طباطبائی - ۵- مرآت البلدان ج ۲ ص ۲۳۹

مدیترانه و ماری بفرانسه رفتند و روز ۶ محرم ۱۲۷۶ مطابق ۶ اوت ۱۸۵۹ ساعت ۵ بعدازظهر وارد پاریس شدند. يك هفته بعد روز ۱۴ محرم حسن علی خان در عمارت سن کلود بحضور ناپلئون سوم معرفی شد و مأموریت خود را دربارهٔ محصلین باطلاع پادشاه فرانسه رسانید^۱ رشته‌های تحصیلی که برای محصلین در نظر گرفته بودند طب بود و مهندسی و توپخانه و سواره نظام و پیاده نظام و نجوم و نقاشی و فلز کاری و کاغذ سازی و زرگری و چینی‌سازی و نجاری.

وزیر مختار بعد از ادای مراسم رسمی محصلین مزبور را بمدارس و کارخانه‌های معروف پاریس و شهرستانهای فرانسه فرستاد و امور زندگی و تحصیل ایشان را مرتب نمود. در آغاز کار چون همگی محصلین چنانکه می‌بایست بزبان فرانسه آشنائی نداشتند تا مدتی ایشان را بمعلمین مخصوص سپردند که آنان را برای دخول بمدارس آماده سازند.

پس از یکسال اقامت در پاریس حسن علی خان پسر خود و سه تن از نزدیکانش را برای تحصیل بیاریس خواست و این چهار تن در ۲۰ ربیع الاول ۱۲۷۷ وارد پاریس شدند.^۲

اسامی این محصلین و رشته و مراتب تحصیلی آنان بدینقرار است:

*۱- عبدالرسول خان ولد عبدالحسین خان اصفهانی - که سمت ریاست بر همه داشت. وی در ریاضی قوی دست بود و همین رشته را برگزید و مدت هشت سال بتحصیل در آن رشته اشتغال ورزید پس از بازگشت بایران مدتی در دارالفنون تدریس مینمود و چون حکومت ملایر به اعتضاد السلطنه داده شد او بنیابت وزیر علوم یعنی اعتضاد السلطنه بآن شهر مأمور شد و بعد از چندی بنیابت حکومت گیلان منصوب گشت و بمنصب سرتیپی و حمایل و نشان از این درجه رسید و سرانجام در سال ۱۲۹۱ چشم از جهان پوشید.^۳

*۲- میرزا عباس خان ولد میرزا رضا خان مهندس باشی - وی نیز در ریاضی

۱- مقالات آقای محیط طباطبائی ۲- بشرح ایضاً ۳- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۵

تحصیل نمود و مدت هشت سال در مدرسهٔ پولی تکنیک پاریس بتحصیل اشتغال داشت. پس از بازگشت بایران چندی در وزارت جنگ بخدمت مشغول بود و بیعضی خدمات سرحدی مأموریت یافت. چندی هم مقام وزارت احتساب (شهرداری طهران) باو سپرده شد و در این مأموریت میخواست برای طهران نیز مانند پاریس خیابانهائی بسازد اما توفیق نیافت و خانه نشین شد. مدتی نیز با منصب سرتیپی دوم سمت تشریفاتچی نظام و سفراء را داشت و مخاطب به «مهندس حضور» بود و چون نظام الملك^۱ بحکومت فارس تعیین شد، او نیز جزء اجزاء حکومت بفارس رفت و پس از آن دیگر کاری باو رجوع نشد.^۲ و هم اوست که در قفقازیه اشتباهاً بجای میرزا علی اصغر خان امین السلطان گرفته شد و بسوی او تیراندازی کردند ولی صدمه‌ای چندان باو وارد نیامد و او را^۳ معالجه کردند.

*۳- عباسقلی خان فرزند اسفندیار بيك گرجی و برادر صاحبجمع - شش سال در پاریس بتحصیل اشتغال داشت و پس از تحصیل علوم ریاضی و فرا گرفتن فنون نظامی بایران بازگشت و در خدمت کامران میرزا نایب السلطنه وارد شد و رفته رفته در مراتب نظامی بالا رفته بمنصب امیر تومانی رسید و لقب «اعتقاد نظام» یافت.^۴

*۴- میرزا محمود ولد میرزا احمد قمی - بعد از تحصیل در دارالفنون، چون بیاریس اعزام شد رشتهٔ تحصیلی او را نجوم معین نمودند. پس از تکمیل مقدمات این علم در رصدخانهٔ بزرگ پاریس بکار گماشته شد.^۵ و ستاره شناسی را عملاً آموخت و مدتی نیز در رصدخانهٔ بروکسل با موختن نجوم اشتغال داشت.^۶ در سال

۱- میرزا عبدالوهاب خان ۲- محصلین ایران در اروپا در زمان ناصرالدین شاه مجلهٔ آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ ببعده بقلم مرحوم مجدالاسلام کرمانی ۳- حیات یحیی ج ۲ ص ۱۲۰ ۴- مجلهٔ آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ ببعده ۵- روزنامهٔ دولت علیهٔ ایران نمرهٔ ۵۵۵ دهم رمضان ۱۲۸۰ باین شرح «میرزا محمود منجم در رصدخانهٔ بزرگ پاریس و موسیو لوری (ظاهرأ Leverrier منجم مشهور فرانسوی) رئیس رصدخانهٔ امپراطوری دوربین بزرگی مخصوص او مقرر کرده باجرای علم و عمل مشغول است. ...» ۶- روزنامهٔ دولت علیهٔ ایران نمره ۵۷۰

۱۲۸۰ تقویمی بر روش اروپائی استخراج و تنظیم کرد و برای ناصرالدین شاه فرستاد.^۱ میرزا محمود در دوران تحصیل استعداد زیاد از خود نشان داد. دو سال بیشتر در دارالفنون تحصیل نکرده بود^۲ که او را باروپا فرستادند. در رصدخانه پاریس نیز بخوبی کار کرد بطوریکه توجه استادان خود را جلب نمود و چنانکه مشهور است یکی از سیارات کوچک بین مدار مریخ و مشتری را کشف کرد و آن را «ستاره محمودی» یا سیاره محمودی نامید.^۳

با همه استعداد و تخصص، چون بایران بازگشت ناظم تلگرافخانه شد و هر چند که عنوان خانی و منصب سرهنگی باو دادند چون در تلگرافخانه بیشتر مطابق میل حاج میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم وقت عمل مینمود شاه او را معزول کرد^۴ اما بوساطت سپهسالار بالقب «مشیرالوزاره» در وزارت امور خارجه شغلی یافت و بسمت کار پردازی و بعد قونسولی بیغداد رفت^۵ و چندی نیز ژنرال قونسول طرابوزان شد^۶. چندی نیز در عدلیه خدمت مینمود و در اواخر حال، در زمان وزارت تجارت سعدالدوله بریاست محاکمات تجارت منصوب شد و «مشاور الملك» لقب یافت پس از آن بیکار شد^۷ و تا آخر عمر همچنان بیکار ماند و هیچگاه بهیچ صورت از تخصص او استفاده ای نشد. وی پدر مرحوم میرزا احمدخان کمال‌الوزراء و برادران او است.^۸

۵- میرزا نظام الدین کاشانی - از محصلین بسیار با استعداد که بقول مرحوم ممتحن الدوله در میان محصلین ایرانی که درپاریس خوب تحصیلات خود را باآخر رسانیدند از همه بهتر و ذکی تر او بود که اسباب روسفیدی ایرانیان در

- ۱- مقالات آقای محیط طباطبائی ۲- وقایع اتفاقیه نمره ۳۹۴ - تأیید خود او درمقدمه تقویم ناصری سال ۱۲۸۲ هـ . ق نسخه خطی کتابخانه ملی ص ۳۸۲ فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی تألیف آقای عبدالله انوار ۳- مقالات آقای محیط طباطبائی و مرحوم مجدالاسلام کرمانی و طرائق الحقایق ج ۲ ص ۴۵۹ ۴- خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۸۴ ۵- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بیعد ۶- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۶ ۷- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بیعد ۸- فهرست کتابهای چاپی مشار حرف ح ستون ۵۴۵

پاریس گشت. وی در ریاضیات و معدن شناسی تحصیل نمود و پس از فراغت از تحصیل و بازگشت بایران مدتها بیکار بود تا درزمانی که حسن علی خان امیرنظام وزیر فواید عامه شد چون خواست راه لاریجان را تسطیح کند او را باینکار مأمور نمود و شاید بمناسبت این مأموریت، شوسه کردن راه قم هم باو محول شد. دراین مأموریت میرزا نظام الدین با میرزا علی اصغرخان اتابک آشنا گشت^۱ و این آشنائی مقدمه ترقی او گردید. میرزا نظام الدین مدتی نماینده دولت در بانک شاهنشاهی بود^۲ و بعدها وزیر معادن و طرق و شوارع و ملقب به «مهندس الممالک» گردید و تا ابتدای دوره مشروطه نیز زنده بود و بوزارت معارف هم رسید و کتابهای معتبری هم در ریاضیات نوشته است^۳. شرح زندگانی او در کتاب ایران در جنگ بزرگ تألیف مورخ الدوله سپهر آمده است.

*۶- محمد تقی خان مقدم پسر محمد حسن خان مقدم سرهنگ توپخانه و برادر زاده حسین خان نظام الدوله آجودانباشی - وی در قسمت توپخانه مشغول تحصیل شد و پس از بازگشت بایران یکسال در مدرسه دارالفنون تدریس کرد و بعد جزو قورخانه شد^۴ و در این خدمت بمنصب سرتیپی هم نائل گشت^۵.

*۷- محمد خان ولد محمد قاسم خان والی - تحصیلات او در فنون نظامی بود و چون بایران بازگشت بلقب پدر مفتخر و بمنصب سرتیپی اول نائل گشت. چند سال حاکم یزد بود^۶ و آنگاه مأموریت تبریز یافت^۷. در یزد آثار خیری از آب انبار و کاروانسرای بازرگانان بنام او باقی است. محمد خان زبان فرانسه را در

- ۱- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بیعد ۲- روزنامه اطلاع نمره ۳۶۳-۲۵ رجب ۱۳۱۲
- ۳- ایران در جنگ بزرگ سپهر ص ۱۷۲ و ۱۷۳ ۴- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بیعد ۵- مقالات آقای محیط طباطبائی اما مرحوم ممتحن الدوله او را مهندس گفته و نوشته است که: سالها خواهد گذشت تا يك مهندس مثل او با آنهمه فضیلت بعرضه ایران قدم نهد.
- بلی مرحوم محمد تقی خان در تهران مدتی بیکار ماند و بعد حکومت گیلان را که بمرحوم میرزا سعید خان وزیر خارجه دادند مرحوم وزیر او را مأمور ساختن راه خیزان فرمودند و پس ازانجام در تهران بیکار ماند و دق آورد و بمرد. (از خاطرات ممتحن الدوله نسخه خطی)
- ۶- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۸ ۷- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بیعد

روسیه تحصیل کرده و ظاهراً پدرش او را به موسیو وردونامی سپرده بوده است که این شخص گزارش کار او را بوزیر مختار میداده است (مقالات آقای محیط طباطبائی بنقل از شماره ۵۰۵ دولت علیه ایران ص ۶).

*۸- حسین خان فرزند قاسم خان - در فرانسه چدن ریزی آموخت ولی پس از بازگشت بکارهای اداری مأمور گشت وی از کسانی است که یکسال در دارالفنون تحصیل کرد و باروپا فرستاده شد.^۱

۹- میرزا حسنخان - که ظاهراً تبریزی نوده است مانند حسین خان علاوه از سایر تحصیلات، چدن ریزی و آهن آب کردن هم آموخت اما او نیز مانند هم رشته اش مدتی باین در و آن در زد تا عاقبت هر دو با مختصر مواجی جز و صاحب منصبان قورخانه شدند. اولی تا مقام سرتیپی قورخانه رسید ولی دومی چندان تزیست و بدق در گذشت.^۲

*۱۰- علی آقا فرزند حاجی محمد آقا از طایفه دنبلی آذربایجان و نواده عبدالرزاق بیك صاحب مآثر سلطانیه و تجربه الاحرار و مؤلفات دیگر - در مدرسه نظامی معروف سن سیر در قسمت پیاده نظام تحصیل نمود و چون بایران بازگشت چندی مشاق افواج حاضر رکاب بود. آنگاه بمنصب سرهنگی سرافراز و مأمور کرمان گشت و در سال ۱۲۹۴ در آنجا در گذشت.^۳ وی شاعر نیز بود و غریب تخلص می کرد.

*۱۱- محمد علی آقاوی از محصلین اعزای زمان محمد شاه بود و چون بایران آمد گویا در وزارت خارجه بشغلی منصوب گشت و در سفارت فرخ خان نیز جزو

۱- مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۹ و مقالات آقای محیط طباطبائی اما مرحوم ممتحن الدوله مینویسد سالها در قورخانه چون توپ ریز بود [کار میکرد] سرتیپ گشت. بدرصورت نظام سردار ۲- وقایع اتفاقیه نمره ۳۹۵ پنجشنبه ۱۶ محرم ۱۲۷۵ ۳- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ص ۳۶ بعد - اما مرحوم ممتحن الدوله مینویسد او هم در قورخانه سرتیپ گشت و مرحوم شد ۴- مقالات آقای محیط طباطبائی. مرحوم مجد الاسلام کرمانی. مرآت البلدان ج ۲ ص ۹۳ تجربه الاحرار ص ۱۰

مترجمین او بود و پس از بازگشت دوباره باروپا فرستاده شد. در مرآت البلدان ج ۲ ص ۹۳ از محمد علی آقائی نام برده شده که «... حال محمد علی خان است پس از ماموریت فرنگستان بمنصب سرتیپی سرافراز و مشغول خدمت دیوان است» و ظاهراً مراد همین شخص است. و پس از مراجعت از فرنگستان در زمان صدارت مرحوم حاجی میرزا حسینخان سپهسالار رئیس نظمیة طهران شد و خوب از عهده کار برآمد و از اینجهت او را «محمد علی خان نظمیة» می گفتند وی نیز تا درجه سرتیپی ترقی یافت.^۱

*۱۲- محمود آقا فرزند حاجی محمد آقا برادر علی آقا و از طایفه دنبلی آذربایجان - پس از مراجعت از فرنگ بمنصبی پیاده نظام دارالفنون برقرار و پس از دو سال سرهنگ فوج خلیج شد و در همین ماموریت در گذشت.^۲

*۱۳- میرزا آقا بزنگ ولد آقامهدی نواب - در رشته پزشکی مشغول تحصیل شد و پس از بازگشت مأمور کرمان گشت.^۳

*۱۴- شیخ جلیل اصفهانی - او نیز در رشته پزشکی وارد شد و پس از بازگشت بایران در خدمت وزارت علوم مأمور طبابت صاحبمنصبان و کارگران تلگرافخانه شد. بعداً در شمار پزشکان درباری درآمد و در سال ۱۲۸۸ هجری قمری در رکاب ناصرالدین شاه بجاجرو رفت و در آنجا در رودخانه غرقه گشت.^۴ وی پسر میرزا زین العابدین اشرف الکتاب نسخ نویس بسیار مشهور است^۵ و پدر میرزا علی خان اعلم الممالک که در چهار سالگی یتیم شد و بعداً در دارالفنون تحصیل طب کرد و گویا داماد مرحوم نجم الدوله شد و از پدر آقای حاج محمد نجم است از اعضای عالی رتبه بازنشسته وزارت پست و تلگراف. شیخ جلیل گویا خودش هم خوش نویس بوده است چه از کتابهای چاپی آن روز، عده ای بخط اوست مثل الفیه الفنون چاپ

۱- قسمت اخیر ترجمه حال منقول است از مجله آموزش و پرورش س ۲۲ ش ۱ ص ۳۶ بعد ۲- مرآت البلدان ج ۲ ص ۹۳ ۳- همان مدرک ص ۹۵ ۴- همان مرجع و صفحه بعد ۵- الذریعه ج ۲ ص ۲۹۷ و ج ۴ ص ۱۸۲ و ج ۷ ص ۲۷ و ج ۱۴ ص ۲۷۵ منتهی لقب میرزا علی خان را دوهرا متفاوت نوشته است.

*۱۵- میرزا عبدالوهاب خان ولد محمود خان احتساب الملك كاشانی - او نیز در رشته پزشکی تحصیل نمود و پس از مراجعت حکیمباشی ظل السلطان شد اما عمر اوچندان کفاف نداده بزودی درگذشت^۱ (در سال ۱۲۸۹ و در شیراز).
*۱۶- میرزا کاظم ولد میرزا احمد محلاتی - محصلی بسیار با استعداد و با ایمان بود و در همان آغاز تحصیل آثار کیاست و فراست از او نمایان گشت.

در راه سفر بشاگردان دیگر فرانسه درس میداد. مدتی در علم شیمی و دواسازی که در دارالفنون تحصیل کرده بود زحمت کشید و مدتی هم در مدرسه بزرگ «روآن» بتحصیل گیاه شناسی پرداخت و در این فن نشان درجه عالی گرفت پس از بازگشت بایران در دارالفنون بمعلمی دواسازی و ریاضی و فیزیک و تجزیه معادن منصوب شد. وی قریب چهل سال در دارالفنون خدمت نمود و کتابهای متعدد بزبان فارسی در آورد با آنکه بتدریج ترقی یافت و بمواجبش افزوده گشت مع هذا در پایان عمر فقط سالیانه پانصد تومان مواجب داشت. صاحب ترجمه همشیره زاده میرزا اسحق انور محلاتی و پدر مرحوم دکتر محمود خان شیمی و بنیان گذار دوا سازی جدید در ایران بود^۲. و در روز ۲۱ شوال ۱۳۱۳ درگذشت

۱۷- میرزا علی اکبر کاشانی - از وابستگان فرخ خان امین الملك بود (پسر عمو حسین نظنزی باغبان میرزا هاشم خان برادر فرخ خان) و در ابتدا بقصد تحصیل زبان فرانسه همراه او بیاریس رفت و چون بنقاشی شوق بسیار داشت امین الملك او را یکی از مدارس فنی مجانی سپرد^۳ اما این سفر اوچندان طول نکشید و همراه امین الملك بطهران بازگشت و در موقعیکه دسته محصلین اعزامی اروپا

۱- مرآت البلدان ج ۲ ص ۹۷ و تاریخ مسعودی ص ۸۳ و ص ۲۱۴ ۲- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بعد و طرایق الحقایق ج ۲ ص ۲۹۵ ۳- همان مرجع اول شماره ۲ بقلم مرحوم مجد الاسلام کرمانی - ولی ظاهراً صحیح نیست چه در سفرنامه فرخ خان اشاره ای بآن نشده است.

میرفتند او نیز همراه آنان شد و چند سال در پاریس بتحصیل زبان فرانسه و تکمیل نقاشی اشتغال داشت و در مراجعت جزو نقاش خانه دربار سلطنتی شد. در سال ۱۲۸۸ که «کنستان» فرانسوی معلم نقاشی دارالفنون درگذشت مشارالیه بجای او معلم نقاشی آن مدرسه شد. بعدها بمعلمی فرانسه نیز منصوب گشت و «مزین الدوله» لقب یافت^۱.

*۱۸- محمد آقا برادر مرحوم حاج شیخ محسنخان مشیرالدوله - پس از تکمیل فنون نظامی بطهران آمد ولی در وزارت خارجه بخدمت منصوب شد. عمر وی چندان نپائید و زود درگذشت^۲.

۱۹- حاج محمد خان پسر وکیل الملك کرمانی - او نیز ظاهراً تحصیلات نظامی داشت اما چندان ترقی و اعتباری حاصل نکرد^۳ و فقط عنوان پیشخدمت شاه را داشت و در کرمان مقیم بود. وی بقول مرحوم ممتحن الدوله جوانی بسیار وجیه و زرنگ بود فرانسه را بزودی آموخت و دستنوی خوانین بزرگ پاریس گشت. بالله و دده بیاریس آمد و پس از چندی مراجعت نمود.

۲۰- میرزا جهان کاشانی - وی در رشته معدن تحصیل کرد و چون بازگشت مأمور بازدید معادن خراسان شد و در راه طبس بدست بلوچهای راه زن رهسپار دیار عدم گردید^۴. وی وهم شهریش نظام الدین هردو در این رشته تحصیل کرده بودند و هر دو هم در آغاز کار مأمور پیدا کردن معدن شدند و بالنسبه توفیق هم یافتند. میرزا جهان از خاندان شیباتی بود (برادر مرحوم میرزا طاهر بصیر الملك) یعنی پسر میرزا خلیل منشی باشی حسام السلطنه در فتح هرات و از طراز اول منشیان عصر خویش که او پسر میرزا احمد ادیب کاشانی بود^۵ و نظام الدین از خاندان غفاری و پسر عموی فرخ خان امین الملك^۶.

۱- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بعد ۲- همان مرجع ۳- بشرح ایضاً ۴- ایضاً همان مرجع و مرآت البلدان ج ۳ ص ۱۱۰ ۵- تاریخ شیباتی مجیرالدوله ص ۶۵ ۶- تاریخ کاشان ج ۲ ص ۳۱۸

۲۱- آقامحمد برادرزن و پسر عموی مرحوم حاج شیخ محسن خان مشیرالدوله تحصیل علم چینی سازی کرد و در این فن مهارتی یافت زنش هم که فرانسوی بود از این فن اطلاع داشت لکن پس از آمدن بایران هیچکدام نتوانستند کاری مناسب با تخصص خود بدست آورند و فقط برای خود آقا محمد سالیانه صد تومان مواجب برقرار گشت و ظاهراً او کسر درآمد را از کار در یکی از تجارتخانه‌های اروپائی تأمین مینمود تا اینکه حاج شیخ محسن خان بسفارت کبرای استانبول مأمور شد و او را بازنش بعثمانی برد و بقونسولگری جده منصوب نمود.^۱ وی پس از چندی ژنرال قونسول ایران در مصر شد.

حاج پیرزاده در جلد دوم سفرنامه خود درباره وی مینویسد «حاجی محمدخان جنرال قونسول مصر... از منسوبان جناب معین‌الملک بود و آدم بسیار داناتی باهوش و فراست و پلیتیک دان و تربیت شده. مدتی در مصر قونسول بوده. در همان اوقاتی که در مصر بودم در ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۰۴ ناخوش شد و بعد کم کم ناخوشی او شدت نموده از مصر باسلامبول رفته از آنجا بآب معدن نمسه میرود. در آنجا اورم کبد بهم میرساند. اطبای آنجا پهلوی او را شکافته جراحان درون او را بیرون می آورند. باز دو مرتبه اندرون او ماده می کنند و جراحی می بندد عاقبت برحمت خدا میرود عیال او از اهل پاریس است. پسر او حسن خان نام دارد بسن بیست سال میشود زبان نمسه و فرانسه و انگلیسی و آلمانی را خوب میداند ولی فارسی را درست حرف نمیزند. حسن خان پسر او باوالده اش بمصر مراجعت می کنند و نعش حاجی محمدخان را باسلامبول میبرند که در قبرستان اهل اسلام شیعه دفن نمایند. اهالی تبعه ایران که در مصر بودند از حاجی محمدخان مرحوم اظهار ناراضماندی مینمودند خدا او را بیخشد و رحمت کند.^۲ اعتماد السلطنه در جائی بمناسبتی در باره او می نویسد. این

۱- «شانوان» یا «شالوان» که خرازی فروش بوده (ص ۳۸۸ و ۲۳۵ خاطرات اعتماد السلطنه)
 ۲- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بعد ۳- سفرنامه حاجی پیرزاده نسخه خطی مجلس ص ۲۵۰

حاجی محمدخان ده سال قبل در طهران مشهور به حاجی محمدفرنگی... بود (ص ۲۳۵ خاطرات ...) و شاه او را جلای وطن داد... (ص ۳۸۸ خاطرات)

۲۲- هدایت‌الله خان پسر محمودخان احتساب‌الملک کاشی و برادر میرزا- عبدالوهاب خان^۱ او نیز در صنعت چینی سازی همکار و در ازدواج همیش و باجناب آقامحمد سابق الذکر بود. هدایت‌الله خان نیز نتوانست کاری در خور تخصص خود بدست آورد و سرانجام در سال ۱۲۸۶ نا کام به بیماری و بادر گذشت. پدروزن این دو همان موسیو «کنستان» معلم نقاشی دارالفنون بود.^۲

۲۳- اسدالله خان آقا ولی- وی علاوه بر تحصیل ریاضی در صنعت کاغذسازی کار کرد و در این فن مهارتی یافت اما چون بایران آمد او را با ماهی ده تومان حقوق بسمت منشی پستخانه منصوب نمودند.^۳

از او نقل است که میگفته است «اگر کاغذ ساز نشدم شکر خدا را کاغذ باز شدم».^۴ اسدالله خان چهار فرزند داشت، دو پسر و دو دختر، از پسران او یکی امان- الله خان نام داشت که تحصیل طب کرد و طبیب مخصوص بانوی عظمی خواهر ظل- السلطان گشت و با او باصفهان رفت و عزت و احترامی شایان یافت و به «نصیر خاقان» ملقب گردید.^۵ این شخص پدرشاد روان کلنل فضل‌الله خان و مرحوم سپهبد فرج‌الله آقا ولی است.^۶ پسر دیگر اسدالله خان مرحوم بینش بود که در شعر و ادب فارسی در عصر اخیر مقامی داشت و بزبان فرانسه آشنا بود. دو دختر اسدالله خان نیز بزبور

۱- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۳۶۱ بعد بقلم مرحوم مجدالاسلام کرمانی ولی تاریخ کاشان موضوع را تأیید نمی کند (تاریخ کاشان ج ۲ ص ۳۱۸ مگر آنکه چون تألیف کتاب سال بعد از مرگ هدایت‌الله خان بوده است مؤلف نام او را ذکر نکرده باشد یا هدایت‌الله خان همشیره زاده فرخ خان مراد باشد) (تاریخ کاشان ج ۲ ص ۳۱۹) مرحوم منتحن الدوله هم او را پسر احتساب‌الملک میدانند و مینویسد در کاشان در شکار گاهی خود را هدف گلوله خود نمود یعنی خودکشی کرد ۲- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بعد ۳- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بعد ۴- مقالات آقای محیط طباطبائی ۵- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بعد ۶- مجله محیط ش ۵ مهر ۱۳۲۶ ص ۱۶

دانش آراسته و در عربی و ریاضی تحصیل نموده بودند^۱. که یکی از آنها عذرا خانم (مرحومه در مهر ۱۳۳۵) را اولین بانوئی نوشته‌اند که اقدام به تأسیس دبستان دختران در ایران نمود^۲

۲۴- میرزا غفار تبریزی - از نجبای آذربایجان بود و در دباهی کار کرد و باشوقی بطهران آمد که در ایران کارخانه دباهی دایر کند... ولی بعد از سالها دوندگی صد تومان مواجب یافت و در قورخانه بکاری منصوب گشت و در پر تو هنر خود تنها بلقب «دباغ باشی» نایل گشت^۳ و بقول مرحوم ممتحن الدوله... مهممل ماند.

۲۵- میرزا حسن تبریزی - او در صنعت عینک سازی و تراش عدسی های دور بین کار کرد ولی بقول مجدالاسلام کرمانی «... نزدیک بین نبود و مقربان حضرت را ندید. کاری از پیش نبرد و نا کام مرد^۴. نام این شخص را، ممتحن الدوله، همشاگرد او، میرزا حسین (یا محمد حسین) تفرشی نوشته و او را خاله زاده یا خواهرزاده میرزا عباس خان قوام الدوله معرفی کرده و نوشته است که دو سال پس از بازگشت بطهران در گذشت.

۲۶- آقا محمد صحافباشی - وی دوسفر باروپا رفت و در صنعت خود سرآمد گشت. پاکت سازی در ایران یادگار اوست^۵ صحافباشی ظاهراً مردی آزادمنش بود و در بدو ورود بیش از اندازه باروپائی مآبی تظاهر میکرد چنانکه درباره وی نقل کرده‌اند که:

«... موقعیکه ابن محصلین از فرنگ برگشته و برای معرفی باعضاد السلطنه مقابل حوض مدرسه دارالفنون صف کشیده بودند تصادفاً باعضاد السلطنه رو بصحاف- باشی کرد و حوض را با و نشان داد و گفت این را چه میگویند؟ صحافباشی بزبان فرانسه فصیح و غلیظ گفت: «باسن»

۱- مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بعد ۲ - اطلاعات ۹۱۲۵ - ۳۵/۷/۴
۳ و ۴ و ۵ - همان مرجع یعنی مجله آموزش و پرورش

اعتضاد السلطنه امر داد که چوب و فلکی حاضر کردند و بدستور او پاهای صحافباشی را بچوب بستند چون چند چوبی خورد از زیر فلک گفت «اوز، اوز» اعتضاد السلطنه گفت باز بنید و چنین کردند و طولی نکشید که صحافباشی فریاد بر آورد «حوض، حوض» و حاء حطی و ضاد غلیظ عربی را کاملاً از مخارج خود بتلفظ در آورد... و بعدها مثل «آدم» حرف زد^۱.

۲۷- استاد حیدر علی نجار - که برای تکمیل صنعت نجاری باروپا اعزام شد و این صنعت را بخوبی فرا گرفت و پس از تکمیل اسباب و لوازم کار بطهران آمد و در همان دارالفنون مشغول نجاری شد و شاگردانی تربیت نمود و لقب «نجارباشی» یافت^۲.

۲۸- آقا فیض الله ولد مرحوم آقا اسدالله زرگرباشی - برای فرا گرفتن فن زرگری اعزام شد و ظاهراً در این فن ترقی نمود^۳.

۲۹- میرزا احمد گروسی پسر حکیمباشی گروسی که ظاهراً از بستگان امیر نظام بود و بمناسبت مأموریت امیر نظام و بخواهش او از طرف خانواده اش باروپا اعزام شد و جزو محصلین دولتی نبود و بموجب دستور امیر نظام بعد از دو سال تحصیل در دیپ او را بیارنس مراجعت داده بصنعت نقاشی زرگری گذاشتند^۴. ولی چون بازگشت در گروس به طبابت پرداخت.

۳۰- میرزا رضاخان پسر میرزا حسین خان کارپرداز مصر^۵ - بتحصیلات ادبی و سیاسی اشتغال یافت. میرزا رضاخان از شاگردانی است که در مقامات اداری ترقی یافته است. لقب او «مؤید السلطنه» است و گویا نام خانوادگی «گرا نمایه» بوده است یا او خود را باین صفت میخوانده است^۶. پدر او میرزا حسین خان فرزند

۱- مجله یادگار س ۳ ش ۸ ص ۲ خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۷۵ - ۲ - مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بعد ۳ و ۴ - روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۷۰
۵ - همان مرجع ۶ - مجله یادگار س ۱ ش ۸ ص ۷۶ و لسی بطوریکه فرزند آن مرحوم آقای امیر فرخ گرانمایه اظهار داشتند این لقب از آنجا آمده است که ناصرالدین شاه درباره میرزا حسین پدر میرزا رضاخان گفته بود که «میرزا حسین خان برای ما گرانمایه است»

میرزا عبدالله سرابی نیز از مأمورین وزارت امور خارجه و صاحب کتاب «مخزن الوقایع» است یعنی سفرنامه فرخ‌خان امین‌الملک باروپا. میرزا رضا خان در زمان صدارت بیسمارک‌سفیر ایران در آلمان بوده است.^۱ و زمانی نیز وزارت عدلیه را داشته است.^۲

۳۱- میرزا زین‌العابدین کاشانی - او نیز از منسوبان فرخ‌خان امین‌الدوله (همان امین‌الملک سابق‌الذکر) و برادر نظام‌الدین غفاری مهندس‌الممالک بود و پسر میرزا ابراهیم خان عموی فرخ‌خان و حاکم کاشان^۳. و بتحصیلاتی نظیر تحصیلات میرزا رضاخان اشتغال جست^۴ و مدتی در مدرسه^۵ پولی‌تکنیک نیز بتحصیل اشتغال داشت که خود را آماده علم توپخانه نماید.^۵ ممتحن‌الدوله در باره وی مینویسد «... مردی بود فاضل، عالم، اول فرانسه‌دان، صاحب قلم، مجلس آراء و با اغلب خانواده‌های نجیب راه داشت و در هر مجلس که حضور داشت مجلس آراء بود افسوس که قدری مثل من تند بود و فرانسه را بلهجه کاشانی حرف میزد...»

۳۲- میرزا عبدالله‌ولد میرزا محمد صدیق‌الملک رئیس دفتر وزارت امور خارجه - وی نیز در حقوق و علوم سیاسی تحصیل نمود و ظاهراً بمناسبت مقام پدرش از اعضاء سفارت نیز محسوب میشده است و بعداً هم در وزارت امور خارجه مشغول خدمت شد و مدتی ریاست اداره کشورهای غیر مجاور را داشت وی برادر بزرگ مرحوم حسن اسفندیاری حاج محشم‌السلطنه بود^۶ و بقول مرحوم ممتحن‌الدوله

۱ - مجله یادگار شماره مذکور در جلوه مرحوم ممتحن‌الدوله می‌نویسد «... شانزده سال در برلن وزیر مختار بود و از دوستان مخصوص امپراطور...» ۲- خاطرات و خطرات ج ۲ ص ۱۶۴ و ۱۶۶ ۳- تاریخ کاشان ج ۲ ص ۳۱۸ ۴- روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۷۰ ۵- روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۵۵ دهم رمضان ۱۲۸۰ ۶- مجله یادگار س ۱ ش ۸ ص ۷۶ جلد دوم مرآت البلدان که الان متعلق به بنده است ظاهراً قبلاً متعلق باین شخص بوده است زیرا در حاشیه صفحه ۲۳۶ که خبر اعزام محصلین و هیئت سفارت امیر نظام گروسی در آن درج شده است نوشته که «بنده درگاه میرزا عبدالله خان ابن آقا میرزا محمد صدیق‌الملک رئیس کل دفاتر وزارت جلیله خارجه مأمور تحصیل پولتیک و حقوق ملل بود و در سنه ۱۲۸۲ در سفارت دولت علیه بسمت نیابت دوم سرافراز آمد

مردی بود فاضل چه در علم حقوق و چه در زبان فرانسه و فارسی...»
*۳۳- محمد حسن خان فرزند حاج علیخان مراغه‌ای حاجب‌الدوله و ضیاء‌الملک و اعتمادالسلطنه - او نیز از اعضاء سفارت بود (از ۱۲۸۰ بعد و بسمت نایب دوم سفارت و در مدت سه سال و نیم) ولی در پاریس بتحصیل اشتغال جست و پس از بازگشت بایران در شمار کسانی بود که در میان اروپا دیدگان بیش از دیگران ترقی کرد شرح حال تفصیلی او در جلد دوم مرآت البلدان ص ۹۰-۹۲ آمده است.

*۳۴- میرزا اسمعیل برادر میرزا ابراهیم منشی وزارت امور خارجه - وی در مدرسه دولتی «متز» مشغول علم توپخانه شد.^۱ پس از بازگشت وارد نظام کشت و در این رشته ترقی یافت. وی همچنان از بنیان‌گذاران مدارس جدید در ایران است^۲ و در تبریز در گذشت. مرحوم ممتحن‌الدوله مینویسد که او و عباسقلی خان اعتمادنظام و میرزا جهان کاشانی از مدرسه دارالفنون پاریس بیرون آمده بودند و او را میرزا اسمعیل خان پسیان می‌نامد.

۳۵- یحیی خان پسر امیر نظام وزیر مختار - بمناسبت مأموریت پدرش در اروپا تحصیل مینمود و جزو محصلین دولتی نبود. او نیز در قسمت نظام تحصیل نمود و در بازگشت سرهنگ فوج کرمان گشت و در جوانی در گذشت و در بقعه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان مدفون گشت^۳ (۱۲۸۲) و عجب آنکه پدرش نیز در کرمان در گذشت و در ماهان مدفون گشت^۴ (۵ رمضان ۱۳۱۷)

۳۶- مجیدخان پسر حاجی محمدخان حاجب‌الدوله که ظاهراً چنانکه از گزارش وزیر مختار معلوم میشود دوره متوسطه را میدیده است^۵ وی بقول مرحوم ممتحن‌الدوله «... نظامی گشت و در طهران از پیشخدمت‌های اعلی حضرت ناصرالدین شاه شد و در گذشت.»

۱ - روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۷۰ ۲ - تاریخچه معارف ایران مجله تعلیم و تربیت س ۲ ش ۶ ۳ - مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بعد ۴ - مجله یادگار س ۳ ش ۷ و ۸ ص ۲۸ ۵ - روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۵۵ رمضان ۱۲۸۰

۳۷- قهرمان خان پسر برزوخان برادرزاده نظر آقا یمین السلطنه که بعدها سفیر ایران در پاریس شد - او نیز دوره متوسطه را میدید و خود را برای ورود به «سن سیر» آماده میکرد^۱.

*۳۸- میرزا مهدی پسر میرزا رضاقلی خان که مأمور فرا گرفتن شیشه و بلورسازی شده بود و قرار بود برای کارآموزی بکارخانه‌ای در «سن گوبن» وارد شود^۲ و او همان ممتحن الدوله بعدی است که مهندس معمار بود و در وزارت امور خارجه بخدمت مشغول شد و بمقام معاونت آن وزارتخانه نیز رسید. وی در یادداشتهای خود مینویسد، «... امتحان آخری من در مدرسه مذکور (ساترال) در سال ۱۸۶۷ بود. همان سالی که اعلیحضرت ناصرالدین شاه نسبت بشاگردان و محصلین فرنگ بی لطف گشته امر فرموده بودند که عموماً مراجعت نمایند و غدغن اکید گشت که دیگر کسی بفرنگ شاگرد نفرستد چرا که یکی دو نفر از شاگردانی که مراجعت نموده بودند مفاد «من تشبه بقوم فهو منه» را در پایتخت اجرا داشته و آن اعلیحضرت منافی عقاید مسلمانی دانسته عموماً را احضار فرموده بودند، باوجود این تا سال ۱۸۷۰ مطابق سال ۱۲۹۲ هجری جسته جسته از خانواها شاگرد بفرنگ فرستاده میشد لیکن در سال ۱۲۹۲ هجری کسه اعلیحضرت ناصرالدین شاه مرحوم بر حسب راهنمایی حاجی میرزا حسین خان سپهسالار اعظم عزیمت فرنگ فرمودند یکی از امپراطوران همسایه به ایشان گفته بودند هر قدر رعایای شما داخل تربیت وضع جدید شود همانقدر از نفوذ شما در داخله خودتان کاسته خواهد گردید. این بود بعد از مراجعت از سفر اول کلیه راه اروپا برای ایرانیان مسدود گردید...»

۳۹- لطفعلی خان پسر تقی خان سرهنگ توپخانه - او نیز دوره متوسطه را میدید و خود را برای ورود به «سن سیر» آماده مینمود^۳.

۴۰- آقاخان ولد رضاییک خوئی - مأمور فرا گرفتن شعر بافی (ابریشم بافی)

۱- همان روزنامه نمره ۵۷۰ ۲ و ۳- همان مرجع

و ابریشم ریزی بود و در شهر «لیون» کار میکرد^۱. وی پس از بازگشت به ایران در مدرسه تبریز فرانسه تدریس مینمود.

۴۱- میرزا علیقلی کاشی - در شهر «روآن» مشغول فرا گرفتن صنعت قالبگیری شد^۲. وی از خاندان ضرابی کاشان و فرزند آقا محمد باقر و نواده آقا شریف پسر آقا محمد ضرابی بود و بنا بنوشته تاریخ کاشان (مرآت قاسان) از جمله متعلمین هفت ساله پاریس که در جبهه خانه توپخانه مبارکه ایران استادی ماهر است^۳ ص ۳۶۶. این شخص در زبان فرانسه قوی بوده و حتی بقولی بسیاری از ترجمه‌های اعتماد السلطنه هم بقلم اوست و مدتی هم عضو دارالترجمه بود.

۴۲- قاسم خان پسر مرحوم زین العابدین خان عموی وزیر مختار و حاکم گروس که کودکی نوحاسته و در تحصیل مبتدی بود و بمناسبت مأموریت حسنعلی خان و بشویق او بیاریس فرستاده شده بود^۴.

۴۳- حسین خان پسر میرزا یوسف خان کارپرداز اول تفلیس (مستشار الدوله) که طفلی یازده ساله بوده و بهمین جهت نمیتوانسته است داخل مدرسه شود و در خارج درس میخوانده است^۵. او طیب شد و به ایران آمد و مدتی طیب ظل السلطان بود و بعد به اروپا بازگشت و در پاریس مقیم شد و مطلقاً ایرانیان و با دیگران هم چندان معاشرت نداشت و در ۱۹۳۶م - ۱۳۵۵ ه. ق در نتیجه تصادف اتومبیل در گذشت^۶.

۴۴- میرزا محمد قزوینی عموزاده میرزا حسین خان وزیر مختار - علم تلمبه سازی را می آموخته است^۷.

۴۵- محمد آقا نامی - مأمور فرا گرفتن صنعت ماهوت بافی بوده است^۸.

۴۶- میرزا اسدالله کاشانی - او نیز همین مأموریت را داشت و در صنعت ماهوت بافی کار میکرد^۹.

۱ و ۲ و ۳ - روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۷۰ ۵ - مجله یادگار س ۳ ش ۴ ص ۲۱
۶ - روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۷۰ ۷ و ۸ - روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۵۵
دهم رمضان ۱۲۸۰

۴۷- آقاعلی اصغر کاشانی که مامور فرا گرفتن صنعت حریر بافی بوده است^۱ و اینها هیچکدام بطهران نیامدند و همه در کاشان ماندند.

از این عده چهارده نفر که بعلا مت ستاره مشخص شده اند مسلماً از تحصیل کرده های دارالفنون اند چه نام آنها در صورت آن مدارس دیده میشود^۲. و علاوه بر این چهارده نفر، محمد حسن خان پسر حاج علیخان مرغه ای هم هر چند از محصلین دارالفنون بوده ولی چنانکه گفتیم بعنوان تحصیل نرفته بوده است بلکه عضو سفارت بوده و در عین حال تحصیل هم میکرده است. سه نفر دیگر هم از محصلین دارالفنون بوده اند که نام آنها از «وقایع اتفاقیه» یا مدارک دیگر استخراج شده است. کسانی که بکارآموزی در صنایع مثل نجاری یا صحافی و شیشه سازی و حریر بافی و امثال این امور مأمور شده بودند، احتمالاً در ایران هم در این کارها سابقه و اطلاعاتی داشته اند مرحوم مجد الاسلام مینویسد: «چند نفر هم در فن باغبانی و گلکاری بدرجه معلمی رسیدند ولی از بوستان ایران گلی نچیدند...»^۳ ولی در هیچیک از گزارش های امیر نظام صحبتی از اینها نیست و محتمل است که بمرحوم مجد الاسلام اشتباهی دست داده باشد یا اینکه وزیر مختار آنها را در شمار محصلین بحساب نیاورده باشد^۴. چند تن را هم مرحوم ممتحن الدوله نام میبرد که اسم آنها در گزارش های دولتی نیست مانند میرزا عیسی گروسی و میرزا یوسف نقاش که در تهران جنون پیدا کرد و برفت و آقاخان و مصطفی خان کاشانی از بستگان امین الدوله های کاشانی (آقاخان را شاید با آقاخان خوئی بشود تطبیق کرد) و میرزا احمدخان پسر میرزا محمدخان صدیق الملک.

نکته دیگر آنکه از این عده هشت نفر کاشانی هستند. علت آن - چنانکه

۱ - روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۵۵ دهم رمضان ۱۲۸۰ - ۲ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۵ - ۹۹ - ۳ - مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بیعد ۴ - حدس دوم صائب است و مرحوم ممتحن الدوله نام دو تن از آنها را نوشته است یکی میرزا حسن فلاح احسن الدوله که در تبریز رئیس پستخانه و گمرک شد و بعد بخزانهداری انتقال یافت و دیگر میرزا حسن گلکار نوری که باغبان باشی شد و بمرد.

آقای فرخ غفاری می گفتند این بوده است که در موقع اعزام محصلین، خانواده های آنها از این کار نگرانی داشته اند، فرخ خان امین الملک که تاره از سفارت فرانسه برگشته و گویا مشوق شاه در این امر بوده است برای رفع نگرانی آنها، بستگان و خویشان و همشهریان خود را هم جزء محصلین اعزام داشته است.

غیر از اینها، در جلد دوم مرآت البلدان صفحه ۸۷ هم آمده است که «غلامحسین خان ولد شاهرخ بیک بجهت تکمیل تحصیل بفرنگستان رفت» ولی نام او در گزارش های محصلین اعزامی نیست و احتمالاً بخرج خود رفته بوده است و نیز نوشته است که «علی خان ولد قاسم خان بعد از تحصیل مدرسه بجهت تکمیل علم و عمل توپخانه در رکاب قدوسی انتساب مبارک پیاریس رفته و از آنجا چون مراجعت نمود بمعلمی توپخانه سرافراز گردید» و ظاهراً مراد از این شخص، علی خان ناظم العلوم است که نواده رضاقلی خان هدایت و بگفته حاج میرزا یحیی دولت آبادی «...دارای دیپلم از مدرسه پلی تکنیک پاریس...» بود.

این عده در بدو ورود مجبور بودند بتکمیل زبان بپردازند تا بتوانند بمدارس و کارخانه ها راه یابند زیرا فرانسه ای که در طهران خوانده بودند برای زندگی در پاریس کافی نبود لذا از اینجهت اغلب آنها را بمعلمین خصوصی سپردند تا ایشان را برای دخول بمدارس آماده سازند، خود وزیر مختار هم بآموختن زبان فرانسه پرداخت.

گزارشهایی درباره این محصلین - در سال ۱۲۷۷ روزنامه دولت علیه ایران چند فقره گزارش را که از پاریس راجع بمحصلین اعزامی فرستاده شده بود منتشر ساخت. یکی از آنها بدین شرح است که عیناً از سلسله مقالات آقای محیط طباطبائی نقل میشود.

«خدمت جناب حسنعلی خان وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه ایران مأمور فرانسه عرض مینماید: افتخار دارم در عرض تحصیل سه ماهه شاگردانی که از راه

التفات اعتماد نموده بمن سپرده‌اند با کمال خرسندی یاد میکنم سعی کامل و مهربانی شما را که در عمل در ترقی آنها دارید همه آنها با صحت مزاج و معقولیت در رفتار مشغول تحصیل خود هستند. محمدتقی خان که نخبه آنهاست در این سه ماه در زبان فرانسه ترقی کلی حاصل کرد. اسلوب کلامش صحیح است و در ترکیب کلمات خیالات دقیق دارد. در علوم ریاضی پیوسته نیز هوشی خود را ظاهر میسازد. مسائل بسیار مشکله را حل می‌کند و قواعد کلیه را با کمال وضوح بنحو مخصوص بیان مینماید. در نقاشی ترقی زیاد کرده و از برای او فوائد کلیه دارد زیرا که این صنعت کلید خیالات و زبان مهندسین است. بالاخره جای محمدتقی خان قبل از وقت در مدرسه ساترال معین است.

میرزا اسمعیل در مرتبه دوم واقع و مشغول زبان و علوم است و از این تأسف میخورم که قدری پیش از آنکه لازم است با حیاست. تحصیلش از روی جد بوده و میتواند اعتماد کند بفهم خود. امید دارم که با آخر این سال برسم بمقصودی که در حق او در نظر دارم ولی بالصراحه وعده نمیکنم زیرا که داخل شدن در مدرسه سید^۱ اقتضا میکند که شخص دوسال در مدرسه پلی تکنیک کار کرده باشد.

عباسقلی خان بعد از میرزا اسماعیل است و ذوق ریاضیش کمتر است ولی در زبان باهوش تر و بهتر است و در زبان میتوان از او پرسید هر چه را که جایز باشد پرسیدن از اشخاصی که فرانسه نباشند و حال چندی است که سعی و اهتمامش در کار بیشتر است و امیدواریم که در ماه نوامبر آینده بتواند در درس‌های پلی تکنیک حاضر شود. مختصر این است اصول علوم که این سه نفر تا بحال تحصیل کرده‌اند: هندسه. اما اینک با بعد ثلثه، مثلثات کروی با تمام فیزیک - قدری شیمی - قدری زبان فرانسه، نقاشی بنحو طراحی و بنحو آب رنگ سازی. در این فقره آخر محمدتقی خان از دیگران بهتر است.

دو نفری که مهیای مدرسه نظام شده‌اند در راه راست و جاده مستقیمند

بخصوص علی آقا که مرا زیاد خشنود دارد. ترقیات او در زبان فرانسه زیاد است و در این مدت سه ماه اسلوب بیاناتش بسط زیاد پیدا کرده قادر بر آن هست که خیالات خود را بنحو خوش بیان نماید و این فقره دلیل آنست که آن قسوه را حاصل کرده که مزه زبان ما را خوب بفهمد. محمود آقا کم‌عشق تر است مثل او بخود اعتماد ندارد ولی نقص در کارش نیست و بسبب آنکه کلمات زیاد میدانند و حالات و بیانات ما را می‌فهمند اینست که بخصوصه شروع کرده‌اند بتحصیل تاریخ فرانسه و اگر چه نوشتن و درس خواندن مایه ترقی در زبان است لیکن این نحو از ترقی حاصل نمیشود مگر از مواظبت در نوشتجات نویسندگان و آنچه در ریاضی دیده‌اند از اینقرار است: از هندسه اشکال مسطحه - جبر و مقابله تا بدرجه دوم - علم مثلثات مستقیمه الخطوط. در علم فیزیک بقدری که برای آنها لازم بوده. این درسه‌ها بواسطه معلم مخصوص با کمال مواظبت و اهتمام بآنها گفته شده و هر روز قدری در صنعت نقاشی کار میکنند و جناب شما در نمونه کار آنها زیاد دیده‌اید که آنها دست مستعد قابل داشته‌اند و مختصراً پنج نفر شاگرد ما حرکت کرده‌اند در جاده کار ترقی و در حرکات آنها هیچ جای ملامت نیست همه باهوش و همه باحب وطن‌اند و هر یک میخواهند که برای وطن خود با فایده باشند و میدانند که خانه من وطن ثانی است از برای آنها و در آنجا گفتگو نمیشود مگر از احترام مملکت ایشان و پادشاهی که حکمران آن مملکت است و اشخاص قابل را که از جانب او در اروپا فرستاده شده‌اند که ما روز بروز بهتر می‌شناسیم و بیشتر دوست میداریم آنها را.

تزارش دیگری از روزنامه نمره ۵۵۵ دولت علییه ایران مورخ دهم رمضان ۱۲۸۰ - تفصیل مراتب ترقیات شاگردان ایرانی مأمور پاریس که بموجب کتابچه و نوشته حسنعلی خان وزیر مختار در آنجا مشغول تحصیل و تکمیل فنون و علوم میباشند ازقراری است که سمت نگارش یافته:

«علی آقا و محمود آقا مراتب تحصیل خود را در مدرسه نظامیه امپراطوری

باتمام رسانیده چهل روز است که باعتبارنامه و تصدیق از آن مدرسه بیرون آمده. وزیر مختار محض مزید تکمیل مشارالیهما در علم و فن خود اولاً قرار داده شش ماه داخل یکی از سر بازخانه‌های دولت فرانسه شده از اداره امر و اعمال یومیة افواج مستحضر شده ثانیاً در اوایل بهار آینده باردوی بزرگ فرانسه رفته بترتیب اردو و حرکت افواج و هیأت جنگ را مشاهده نموده کامل شوند و بعد از فراغت بدربار همایون بیایند.

میرزا اسمعیل و عباسقلی خان نیز مقدمات علوم را تحصیل و درس های پولی تکنیک را کاملاً دیده خود را برای مهندسی نظام و علم توپخانه حاضر مدرسه امپراطوری کرده بودند. وزیر مختار معزی‌الیه از وزیر جنگ خواهش کرده که حکم و اجازه داخل شدن آنها را بمدرسه مزبوره صادر نماید. وزیر جنگ قبول خواهش نموده و مشارالیهما در مدرسه دولتی یکی مشغول لوازم مهندسی نظام و دیگری بعلم توپخانه اشتغال دارند و از حال الی دو سال دیگر در مدرسه دولتی باید مشغول تکمیل علم و فن مقرر باشند.

اسدالله خان علم و صنعت کاغذسازی را بر وجه اتم و اکمل باتمام رسانیده و بعد از فراغت از عمل در این روزها از کارخانه بیرون آمده الی یکماه دیگر وزیر مختار او را روانه خواهد ساخت.

محمد آقا و میرزا اسدالله کاشانی هم صنعت ماهوت بافی را کاملاً فرا گرفته و تا یکماه دیگر بکلی فارغ شده آنها را بعد از اسدالله خان، وزیر مختار روانه خواهد ساخت.

میرزا عبدالله و میرزارضا بحقوق ملل و علم انشاء مشغولند. عمل این دو نفر از کارهای مهم است و هر دو کمال لیاقت را دارند و با میل و مواظبت کامل مشغول تحصیل هستند.

میرزا حسن تبریزی و حسین خان قزوینی در کارخانه مشهور شهر «روان» بعلم و عمل ساختن و ریختن اقسام چرخها و اسباب‌های آهنی و آهن آب کردن

مشغولند و تا سه ماه دیگر فارغ التحصیل شده عازم دربار همایون خواهند شد. میرزا علیقلی کاشانی نیز در همان کارخانه مشغول علم و عمل اقسام قالبهاست و اقلاً تا یکسال دیگر کار دارد.

آقا علی اصغر کاشانی که در آنجا مشغول تحصیل می‌باشد وزیر مختار او را از مدرسه «دیپ» پاریس آورده که مشغول صنعت حریر بافی باشد، در این بین ناخوش شده و چندی است ناخوش است. بعد از حصول صحت مشغول تحصیل و تکمیل فن مزبور خواهد شد.

میرزا نظام و میرزا جهان کاشانی را وزیر مختار باقتضای درس و تحصیل بمدرسه پولی تکنیک فرستاده که درس‌های آنجا را متابعت و پیروی کرده سال آینده بمدرسه مخصوص مهندسی معدن خواهند رفت.

میرزا زین العابدین کاشانی نیز بمدرسه پولی تکنیک میرود که خود را آماده علم توپخانه نماید.

میرزا عباس خان در مدرسه دولتی معروف به «سن لوئی» مشغول تحصیل مقدمات است که سال آینده بمدرسه پولی تکنیک برود و متعلقات مهندسی نظام را اخذ و تحصیل نماید.

محمد تقی خان مقدم در مدرسه دولتی معروف به «سانترال» بتکمیل میکانیک که جراثقال است مشغول است و تا یکسال دیگر فراغت کلی حاصل خواهد کرد. میرزا عبدالوهاب و آقا بزرگ نواب با کمال شوق خاطر و مواظبت باتمام عمل طبابت مشغول میباشند.

مجیدخان و میرزا مهدی مدتی نیست پاریس رفته و در مدرسه «موسیو-وردو» بتعلیم زبان فرانسه و مقدمات علوم مشغولند و هنوز رشته عمل آنها معلوم نشده.

۱- Verdot - این مدرسه در عمارت مادام دوسوینیبه Mme de Sévigné دائر شده بود و چندتن از ایرانی‌ها در آن سکونت داشتند و مشغول تحصیل بودند (خاطرات ممتحن الدوله)

آقاعلی اکبر در صنعت نقاشی روز بروز ترقیات محسوسه میکند و اینروزها برای تکمیل این صنعت بعلم پرسپکتیو که علم تسطیح و ترسیم دورنماست مشغول است .

میرزا یحیی خان پسر حسنعلی خان وزیر مختار که در آنجا مشغول تحصیل است بهمه جهت خود را حاضر رفتن مدرسه نظامیه کرده و میتواندست که امسال داخل آن مدرسه بشود ولکن وزیر مختار او را تا یکسال دیگر بتکرار درسهای گذشته گذاشته از قبیل هندسه و حساب و جبر و مقابله و فیزیک و شیمی و غیره اکنون اشتغال بمراجعه درسهای سابق دارد . سال آینده داخل مدرسه نظامیه خواهد شد.

ابوالقاسم خان عموزاده وزیر مختار ذهن و ذکاوت زیاد دارد و فرانسه را چنان حرف میزند که همه کس او را مثل یکنفر فرانسجی میدانند و وزیر مختار برای او رشته اشتغال دیپلوماسی یعنی علمی که متعلق بوزارت امور خارجه و سفارت و اتباع آنهاست بازداشته .

آقاخان ولد محمد رضا بیك خوئی در یکی از کارخانههای «لیون» بحریربافی مشغول است و کمال استعداد در تکمیل قوه خود دارد و در مدت قلیل طوری رفتار کرده که بالفعل اداره امر آن کارخانه را با او اگذار کرده اند و تا شش ماه دیگر فراغت کلی حاصل نموده بدربار همایون می آید.

میرزا محمود منجم در رصدخانه بزرگ پاریس و «موسیولوری» رئیس رصدخانه امپراطوری دوربین بزرگی مخصوص او مقرر کرده باجرای علم و عمل مشغول است و تا یکسال دیگر فارغ التحصیل خواهد شد.

قهرمانخان در مدرسه «دیپ» جوان بسیار قابلی است چون در وقت رفتن بحسب سن از همه متعلمین کوچکتر بود و میتواندست که مقدمات علوم را مثل یکی از اطفال فرانسه تحصیل نماید لهذا از آنوقت تا بحال بقاعده اطفال فرانسه تحصیل کرده و در اواخر این سال رتبه باشلیه یعنی کسیکه از مقدمات هر علم لازم و زبانهای

لازمه بدانند و امتحان آنها حدی دارد در بسیاری از علوم اول باید تصدیق باشلیه داشته باشند تا شروع در علم مخصوصی کنند و بعد از آن آماده هر نوع کار و هر فن مخصوص خواهد بود .

گزارش دیگر از نمره ۵۷ دولت علیه ایران

مدرسه سن سیر - یحیی خان پسر حسنعلی خان وزیر مختار در سن سیر... در میان غربا اولین معلم است و رؤسای مدرسه سن سیر امیدواری زیادی دارند که عنقریب با متعلمین فرانسه برابری نماید .

مدرسه سن لوئی - میرزا نظام در مدرسه سن لوئی در تحصیل علم هندسه و ریاضی اعلی مهارت تام داشته... و از قراریکه معلمین او مذکور میدانند شخص بسیار عالمی خواهد شد .

میرزا جهان در مدرسه سن لوئی... مشغول همین علم و ترقیات زیاد کرده است... و در آخر سال باتفاق میرزا نظام بمدرسه معادن داخل خواهد شد .

حاجی محمد خان پسر محمد اسمعیل خان و کیل الملك مشغول تحصیل مقدمات است برای داخل شدن مدرسه نظامی سن سیر... در تاریخ و جغرافیا و زبان فرانسه و علم هندسه ترقیات زیاد کرده جوان با ذکاوت و استعداد و قابل هر نوع ترقی است .

مجید خان پسر حاجی محمد خان حاجب الدوله... مراتب تحصیل او در هندسه و فیزیک و زبان فرانسه خوب است.

مدرسه سن برب - قهرمانخان پسر برزو خان برادر زاده نظر آقا... در علوم هندسه و تاریخ و جغرافیا و غیره بیشتر از معمول قدرت و استعداد دارد... و خود را حاضر مدرسه سن سیر میکند .

مدرسه وردو - میرزا مهدی پسر میرزا رضاقلی خان... معلمین او کمال امیدواری را دارند که در آخر سال از روی قابلیت بتواند داخل کارخانه آئینه سازی موسوم به «سن قوبن» که خود را برای این کار حاضر میکند بشود .

لطفعلی خان پسر تقی خان سرهنگک توپخانه در هندسه وفیزیک و شیمی ترقی کرده است ولی از شدت حجبی که دارد در همچشمی و مباحثه باشاگردان مدرسه برابری نمیتواند بکند امید هست که بواسطه سعی و اهتمامی که دارد خود را مستعد داخل شدن بمدرسه سن سیر نماید .

موسیومول قونسول دولت علیّه - آقاخان ولد رضا بیک خوئی در شهر لیون با کمال مواظبت و مراقبت مدت دو سال است بشعبانی و ابریشم ریزی مشغول است و بسیار قابل و با استعداد است. میرزا علی قلی کاشی ... در شهر «روآن» مشغول صنعت قالب گیری است .

مدرسه متر - میرزا اسمعیل برادر میرزا ابراهیم منشی وزارت امور خارجه بعد از سه سال تحصیل مقدمات در مدرسه موسیو وردو و مدرسه نظامی پولی تکنیک بشهر متر رفته در مدرسه دولتی متر مشغول علم توپخانه است. عباسقلی خان برادر مرحوم قاسم خان صاحب جمع مثل میرزا اسمعیل در مدرسه متر مشغول تحصیل علم مهندسی نظام است .

میرزا عبدالوهاب کاشی ولد محمود خان مشغول علم طب است و دو هفته قبل امتحان سیم خود را در مجلس اطباء در پیش روی جمع کثیری گذرانده دو امتحان دیگر باقی دارد

آقا بزرگ برادر بدایع نگار نواب نیز مثل میرزا عبدالوهاب مشغول علم طب است و اهتمام دارد که امتحان دوم خود را بگذراند .

میرزا محمود منجم در رصدخانه پاریس مشغول علم مزبور و اهتمام و مراقبت کلی در تکمیل این علم دارد . جوان قابل و با استعداد و با غیرت است و معلمین او نهایت خشنودی و رضامندی را از او دارند و ترقیات زیاد در علم نجوم کرده است. این اوقات بواسطه تکمیل و اتمام کار خود و اسبابهای مخصوصی برای رصد کردن لازم دارد و در رصدخانه فرانسه چنانچه باید برای او مهیا نبود اینروزها بموجب اظهاری که بتوسط جنرال قونسول دولت علیّه مقیم بروکسل

از جانب سفارت شده است از رئیس رصدخانه بلجیکا که یکی از منجمین مشهور اروپاست اجازه رسیده است و مشارالیه همین روزها عازم بلجیکا شده و در رصدخانه بروکسل در مدت قلیلی علم خود را تکمیل کرده مراجعت بایران خواهد نمود. میرزا عباس خان ولد میرزا رضای مهندس باشی هر روز بمدرسه پولی - تکنیک رفته و مشغول تحصیل هندسه و ریاضی اعلی است و خود را آماده داخل شدن بمدرسه متر مینماید

میرزا رضا پسر میرزا حسین خان کارپرداز مصر مشغول علوم ادبیه و دیپلماتیک است عنقریب فارغ التحصیل خواهد شد و زبان انگلیسی را هم تحصیل میکند .

میرزا زین العابدین کاشی از منسوبان امین الدوله ... مشغول علوم ادبیه و دیپلماتیک است ... و در اندک مدت تحصیل خود را با تمام رسانده روانه ایران خواهد شد

قاسم خان پسر مرحوم زین العابدین خان حاکم گروس مدتی در مدرسه موسیو وردو بود و قریب نه ماه است که او را وزیر مختار به « موسیو بیدو » که یکی از معلمین معتبر پاریس است و با کثرتی از متعلمین دولت علیه درس میگوید سپرده اند و مشارالیه از او رضامندی دارد و از قرار تصدیق او در تاریخ و زبان فرانسه و بخصوص در ژغرافیا ترقی زیاد کرده است و زبان فرانسه را خوب حرف میزند ولی هنوز حالت طفولیت در او باقی است و از ترقیات زیادی که باید بکنند مانع است .

حسین خان پسر میرزا یوسف خان کارپرداز اول تفلیس طفلی است یازده ساله و یکسال ونیم است وارد پاریس شده است . بجهت صغر سن او را بمدرسه نگذاشته به موسیو «قیار» که یکی از معلمین معروف پاریس است و خود این بنده در او ایل ورود مدت یکسال در خانه او مشغول تحصیل بودم سپرده شد. مقدمات عربی و فارسی را پیش از آمدن پاریس تحصیل کرده بود و حالا در زبان فرانسه و در فیزیک و تاریخ و جغرافیا ترقیات زیاد کرده است و زبان فرانسه را سهولت گفتگو

مینماید . میل زیاد بنقاشی دارد و معلم او زیاده از حد از او تعریف میکند و در آخر سال انشاءالله داخل مدرسه خواهد شد .

میرزا محمد قزوینی عموزاده میرزا حسین خان وزیر مختار مشغول علم تلمبه سازی است عنقریب این علم را تکمیل نموده فارغ التحصیل میشود و در اواسط بهار بایران مراجعت خواهد نمود .

آقا فیض الله ولد مرحوم آقا اسدالله زرگر باشی مشغول تکمیل صنعت مزبوره بوده و ترقی زیاد کرده است

آقا علی اکبر کاشی از وابستگان امین الدوله بعد از سه سال تحصیل مقدمات در مدرسه دیپ بحکم وزیر مختار او را بیاریس آورده بصنعت نقاشی گذاشتند و حال دو سال است با کمال سعی و مراقبت مشغول این صنعت است

میرزا احمد گروسی بعد از دو سال تحصیل در دیپ بدستور العمل وزیر مختار او را مراجعت داده در پاریس بصنعت نقاشی زرگری گذاشتند بعد از سه ماه دیگر مشغول مرصع کاری خواهد شد

میرزا عبدالله ولد میرزا محمد رئیس دفتر خانه وزارت امور خارجه در مراتب تحصیل خود ترقیات عظیمه کرده

مطالعه این گزارشها ما را بوضع روحی و اخلاقی و تحصیلی محصلین آشنا میسازد . نخستین مسئله ای که استنباط میشود اینست که : عده ای از این محصلین

خیلی خردسال بودند . کودک ده دوازده ساله دور از خانه و خانواده و در یک کشور بیگانه بایست مبادی علمی را فرا گیرد و پایبای محصلین فرانسوی گام بردارد و

خود را پایبای آنها برساند . چنانکه فی المثل نظام الدین غفاری ۱۵ ساله بود که بااروپا فرستاده شد در آنجا سه سال مقدمات را در مدرسه بندر دیپ تحصیل نموده امتحان

فارغ التحصیلی مقدماتی را در شهر روان داده به پاریس رفت . علوم متوسطه را در مدرسه سن لوئی فرا گرفته از امتحان آخر آنسال در تمام علوم که در آن

مدرسه تحصیل کرده بود پادشاه اول باو داده شد و بعد از دادن امتحان بار تبه شاگرد اولی

داخل مدرسه پولی تکنیک پاریس شد و باین ترتیب ملاحظه میشود که معلومات این محصل با استعداد را در بدو ورود بفرائسه در حدود کلاس سوم یا حداکثر کلاس ششم ابتدائی تشخیص دادند و او به نیروی هوش خود بدرجه ای رسید که «.... در مدت تحصیل در مدرسه مزبوره به رتبه معلمی علم هندسه تحلیلی سن لوئی نائل گردید و تصنیفات چند از او در مسائل مشکله ریاضی در روزنامه علمی مدرسه پولی تکنیک و روزنامه علمی دیگر چاپ شد و بعد از دو سال توقف در پولی تکنیک امتحان داده بمدرسه معدن پاریس داخل گردید^۱ و پس از نه سال تحصیل بایران بازگشت . بطور کلی مدت تحصیل هر یک از این محصلین بسته برشته تحصیلی و نوع درس آنها بود و از این جهت برخی پنجسال و برخی شش سال و برخی دیگر هشت نه سال در اروپا ماندند^۲ .

حال اگر صاحبان پانسیونها ومدارس خصوصی فرانسه درباره برخی از آنها اظهار امیدواری خارج از اندازه کرده اند شاید مبتنی بر جلب منفعت مادی نیز بوده است و بظن غالب در جامعه فرانسه با آنها مانند کودکان عادی و معمولی و شاید قدری هم پائین تر رفتار میشده است^۳ چه آنها کودکان بیگانه بودند و با محصلین اروپائی یکسان نگریده نمیشدند . نظر باین کیفیات نمیتوان گفت که این هیأت محصلین اعزامی میتوانسته است همه احتیاجات ایران آن روز را بر آورده سازد ، علی الخصوص که در بازگشت بهیچیک کار مناسبی که درخور تحصیلشان باشد داده نشد .

این عده جز کسانی که در رشته طب تحصیل کرده بودند و طبیب دربار یا متنفذین درباری شدند بقیه در اداراتی بخدمت گمارده شدند که تحت نظر پسران و بستگان ناصرالدین شاه یا درباریانی بود که بادنیای جدید و افکار جدید آشنا نبودند و ناچار میبایست مطابق میل رؤساء مافوق خود رفتار نمایند یعنی بنا بسنت قدیم اداری ایران به جلب نظر بزرگان و متنفذین علی قدر مراتبهم بپردازند تا پیشرفتی حاصل کنند و از

۱- ایران در جنگ بزرگ تألیف سپهر ص ۲۷۲ با اندک تصرف ۳۰۲- نقل بمضمون از مقالات آقای محیط طباطبائی

این چهل و هفت نفر جز سه چهار تن، دیگران نتوانستند بر این طریقه باشند و در آن راه قدم زنند و ناچار کاری از دستشان بر نیامد و چندان ترقی نمودند .

نتیجه اعزام این دسته از محصلین - گفتیم این محصلین هم نتوانستند برای کشور خود چندان دردی رادوا نمایند . گناه هم همه از آنان نبود بلکه بیشتر بادرستگاهی بود که آنها را فرستاده بود و پس از بازگشت آنان رادراختیار داشت. اصولا با کیفیت حکومت استبدادی دوره فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه و با استیلای عجیب سیاستهای اروپائی در ایران آن زمان، توقع اینکه از دست محصلین اروپارفته کاری شگرف برای مملکت صورت گیرد، منطقی نیست . بزرگترین و لازمترین کارها اگر کوچکترین معارضه‌ای با قدرت مطلقه داشت، از میان میرفت. درباریان با سابقه کهنه کار که بهمین روش و باهمین طرز فکر پرورش یافته بودند طوری دور مرکز قدرت را احاطه کرده بودند که فکر جوانان اروپارفته نمیتوانست بهیچ کیفیتی بآن مرکز راه یابد. علی الخصوص که نفوذ دولت روس و ترس از فراماسون هم بر آن مزید شده بود . پس، چه مطلب را باین صورت توجیه کنیم و چه مانند آقای محیط طباطبائی بگوئیم که :

«وقتی شاگرد باروپا میفرستادند، شاید جزء مهم نظر ایشان این بود که تظاهری بحب تمدن کرده باشند» هر دو یکی است. یعنی زمامداران ایران که میتوانستند کشور را رویه بود برند باین کار مایل نبودند و باقی ماندن بوضع موجود را بی زحمت تر و پر منفعت تر میدانستند. و آنکھی برای هیچیک از محصلین وسایل کار لازم فراهم نشده بود و فراهم هم نکشت . ناچار در بازگشت آنکه در دستگاه دولت وسیله مؤثر داشت بجائی رسید و بقیه در گوشه و کنارها ماندند و شاید در گمنامی جان سپردند .

عده‌ای از این محصلین هنرآموز زرگری و حریربافی و کاغذسازی و چینی سازی بودند و برای خدمت کارگاه و کارخانه میخواستند. آنکه نجوم خوانده بود رصدخانه لازم داشت و آنکه مهندسی خوانده بود بایست باراه یا ماشین سر و کار

داشته باشد. آنها که در مدارس نظامی درس خوانده بودند می بایست مربی افراد سپاهی باشند و بتوانند قدرت علمی خود را اعمال کنند ولی قشون ایران در تحت حکم میرزا محمدخان سپهسالار قاجار یا عزیز خان سردار کل یا کامران میرزای نایب السلطنه بود و قدرت اداری در دست میرزا یوسف مستوفی الممالک یا آقا ابراهیم امین السلطان و پسرش و امثال اینها، که هر يك یا از فکر و تمدن و نظام اروپائی فرسنگها فاصله داشتند یا در تحت حکومت مطلقه مصالح آنها اقتضا نمیکرد که جز بمقتضیات روز عمل نمایند و بنخواستگان از اروپا برگشته میدان بدهند که بر کارها مسلط شوند و بعبارت دیگر حکومت خانواده‌ها ایجاب میکرد که وضع موجود باقی بماند چه قبول نظام کشوری و لشکری اروپائی مستلزم این بود که مدار کارها بر محور سازمان و تشکیلات و منافع عمومی باشد در حالیکه نظام کشوری و لشکری ایران بر مبنای شخصیتها و منافع خصوصی بود . ناچار از میان این محصلین آنها که با نفوذتر بودند یا تشریفاتی نظام میشدند یا بحکمرانی شهری مأموریت می یافتند و بجای آنها مثلا افسران روسی و اطریشی و آلمانی و امثال آنها در مقامات نظامی بکار گماشته و بر ایرانیها مقدم داشته میشدند که هم تظاهر بحب تمدن شده باشد و هم کاری صورت نگیرد زیرا بتجربه ثابت شده است که مستشار خارجی برای هیچ مملکتی منشاء پیشرفت و ترقی نمیشود مگر اینکه از فکر سیاست خالی باشد و از هیچ سیاستی پیروی نکند یا اینکه سیاستی او را بصمیمیت و دلسوزی وادارد . از طرف دیگر فکر استخدام در دستگاه دولت و گریز از زحمت و سختی کار آزاد و رقابت اقتصادی دول بزرگ همسایه مانع از

۱- درباره میرزا عباس خان ولد میرزا رضای مهندس باشی در جلد دوم مرآت الیلدان ص ۸۵ نوشته شده است که بعد از تحصیل مقدمات در مدرسه مدت هشت سال تمام در پاریس در مدرسه پلی تکنیک تحصیل علوم ریاضی نموده و بعد از مراجعت از فرنگستان بعضی خدمات سرحدی مأمور و بمنصب سرتیپ دوم برقرار و حالا بسمت تشریفات چی نظام و سفراء و مخاطب به «مهندس حضور» است

این بود که این محصلین، بخصوص آنها که هنری آموخته بودند، بتأسیس کارگاه یا کارخانه بپردازند و شاید وسایل آنها از جهت سرمایه و کارگر و امثال اینها فراهم نبوده است و محققاً رقابت خارجی هم چنانکه گفته شد مانع از انجام یا قتن این نوع افکار بوده است. و تازه بفرض اینکه بهمه اینها انواع توجه و التفات میشد و وسایل کارشان هم فراهم میگشت وقتی که سلطه حکومت استبدادی بانهایت شدت و قدرت بر خرد و بزرگی سایه افکنده بود و هیچ زبان و قلمی جز تعریف و تملق نمیتوانست کلمه‌ای بگوید و بنویسد، وجود این عده چهل پنجاه نفری چه فایده میتوانست داشته باشد؟ کدام يك میتوانستند معایب حکومت را بگویند و تقییر وضع را خواستار شوند؟ و در تحت حکومت استبدادی چه يك کارخانه کاغذ سازی مثلاً در کشور باشد چه نباشد، چه تأثیری دارد. اصل حکومت بود که مانع هر پیشرفتی بشمار می‌آمد.

این کیفیات از یکطرف و تنفر فرمانروای زمان از تحصیلات جدید^۱ از طرف دیگر باعث شد که بازار علم و دانش جدید بی رونق گردید و دیگر کسی باروپا فرستاده نشد و در طول مدت چهل سال جز چند تن معدود کسی دیگر برای کسب علم باروپا نرفت و این کار دنبال نگشت یعنی دیگر دولت محصل باروپا نفرستاد و کسانی هم که رفتند یا سرمایه خودشان بود و یا بمناسبت وجود بستگانشان در اروپا و از آنجمله‌اند میرزا علی دکتر همدانی و دکتر محمد کرمانشاهی، میرزا سید حسین طبیب^۲ که مرحوم حاجی پیرزاده در سفر ۱۳۰۴ خود باروپا او را تنها محصل ایرانی در آن قطعه میداند و از اعیان زادگان مرتضی قلی خان و مهدی قلی خان صنیع الدوله و مخبر السلطنه بعدی پسران مخبر الدوله که در برلن تحصیل میکردند، میرزا ابوالقاسم خان ناصر الملک که در لندن درس میخواند. شش نفر شاگرد هم ظاهراً بخواهش سلطان عثمانی برای تحصیل در مدرسه نظامی استانبول فرستاده شده بودند که مرحوم حاجی پیرزاده در باره آنها مینویسد: شش نفر

۱- خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۷۵ - ۲- پلد مرحوم دکتر هاشم هنجن

شاگردی که سلطان از ایران خواستند که در اسلامبول تحصیل علم نظامی نمایند و اعلیحضرت همایونی از طهران آنها را فرستادند در یکی از مدرسه‌های نظامی که در کنار بغاز است در طرف آناتولی و مدرسه بسیار معتبری است و هشتصد نفر شاگرد در آنجا هست. شاگردهای ایرانی در آنجا میباشند و مخصوصاً بآنها اطاق مخصوص برای خواب داده‌اند بسیار بآنها احترام و اعزاز مینمایند و نیز از جانب اعلیحضرت سلطان مخارج مخصوصی بآنها داده میشود و اسامی آن شاگردها این است:

محمد حمیدخان پسر حاجی میرزا علی اکبر خان غفاری^۱ - محب علی خان پسر میرزا حسنخان نواده مرحوم آقارجب رختدار - عباسقلی خان و جعفر قلیخان پسرهای طهماسب قلیخان کلاتی - شیخ بهائی پسر ابوالحسن میرزا مشهور بشیخ رئیس - محمدخان پسر مرحوم محمد آقا سرتیپ برادر جناب معین الملک

این شش نفر در مدرسه نظامی در اسلامبول تحصیل علم زبان فرانسه و جغرافیا و نقشه و هندسه و علم نظامی و زبان و خط ترکی مینمایند و الحق بسیار تربیت یافته‌اند^۲ علاوه بر این عده که بقصد تحصیلات نظامی با اسلامبول فرستاده شده بودند بموجب خبری که در شماره ۵۵۱ روزنامه دولت علیه ایران انتشار یافت:

«پنج نفر متعلم از نجای ایران برای تحصیل علوم باتفاق حاجی محسن خان سرتیپ مستشار سفارت پاریس مأمور و روانه لندن گشتند که در آنجا بصوابدید ناصر الملک (میرزا محمود خان) وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه مقیم دربار دولت انگلیس مشغول تحصیل علوم بحری شوند» ولی جز این دیگر خبری از آنها بدست نیامده و معلوم نشده است که بر سر آنها و تحصیلات آنها چه آمده است.

تأثیر اجتماع فرانسه در محصلین - غالب محصلینی که در ۱۲۷۵ پاریس اعزام شدند خیلی تحت تأثیر اجتماع فرانسه قرار نگرفتند زیرا اولاً خردسال و

۱- یعنی عبدالحمید خان بعین نظام سردار مقتدر ۲- سفرنامه حاجی پیرزاده نسخه خطی مجلس ص ۳۱۸ و ۳۱۹

تحت تأثیر آداب ملی و دینی بودند و «روح عفاف و دیانت ملی» درکالبد ایشان قوی بود. ثانیاً سرپرست معتقد هوشیاری مانند امیر نظام گروسی داشتند که خود مرد صاحب دیانت و کرد متدین و متعصبی بود و باقتضای زمان بر آنها تسلط بسیار و درحفظ اخلاق ایشان دخالت و تأثیر تام داشت. هر چند که برخی هم دور از چشم او مقهور محیط و جوانی میگشتند ولی این وضع چندان دوام نداشت.^۱

بهر صورت انصاف حکم میکند که استقامت و متانت و فضایل اخلاقی این عده را نادیده نگیریم و بآن احترام گذاریم. این عده، آن اندازه که زمان و مکان اقتضا داشت از سرچشمه زلال تمدن غرب بهره بردند و احیاناً فکر اصلاح ترتیبات اداری در آنان پدید آمد و بردسایس خارجیان نسبت بایران آگاه گشتند ولی هیچگاه تجاهر بفسق و تظاهر بکفر از طرف آنان مشاهده نشد.^۲

مرحوم حاجی پیرزاده در حدود سی سال بعد یکی از این محصلین یعنی میرزا محمود قمی را که قونسول بغداد بوده است چنین وصف میکند:

«..... میرزا محمودخان بسیار آدم ظریف نجیبی از اهل قم خدمت مرحوم استاد غلامرضا رسیده و بشرف فقر مشرف شده و واقعاً فقیر منش و درویش دوست و متدین و با مذهب و خوش عقیده باوجودیکه سالهای سال در فرنگستان توقف داشته اند نیت و اعتقادشان باکمال درستی و استحکام است.....»^۳

از نظر معتقدات سیاسی هم باوجود اینکه اصول دموکراسی غربی و ترتیبات سیاسی اروپا را دیده بودند باز رعایت احترامات وضع اداری و سلطنت ایران را میکردند بحدیکه در پیش آمد مشروطیت کسی از آنها شرکت جدی و مؤثر نداشت و کسانی مانند میرزا جهانگیر خان و ملک المتکلمین و طباطبائی و بهبهانی در راه مشروطیت از آنها پیشی گرفتند.^۴ با همه اینها، از نظری نمیتوان این محافظه کاری را برای آنان حسنی پنداشت و فضیلتی دانست. زیرا اگر امر بدین

۱- نقل بمضمون از مقالات آقای محیط طباطبائی ۲- بشرح ایضاً ۳- سفرنامه حاجی پیرزاده نسخه خطی مجلس ص ۴۷۵ ۴- نقل بمضمون از مقالات آقای محیط طباطبائی

منوال باشد هیچگاه تربیت شدگان دنیای مترقی نمیتوانند قدمی در اصلاح محیط خود بردارند و حالت رکود و سکونی جامعه را فرا بگیرد که نتیجه آن ضعف کلی یا فنا و نیستی است.

اعزاز محصل پس از مشروطیت - در زمان ریاست وزراء مرحوم میرزا حسن مستوفی الممالک در روز ۱۵ محرم سال ۱۳۲۹ هجری قمری از طرف وزارت معارف قانونی مشتمل بر پنج ماده بمجلس تقدیم شد و این نخستین قانون اعزاز محصل بود که در ایران بتصویب رسید و درست یکصد و سه سال پس از اعزاز نخستین محصلین اعزامی دوره قاجاریه تقدیم و تصویب گشت. بر طبق این قانون، وزارت معارف میتواندست در آن سال (۱۲۹۵ شمسی) سی نفر محصل برای تحصیل علوم و فنون باروپا اعزاز دارد. این قانون روز سه شنبه ۱۷ جمادی الاولی تصویب شد و بلافاصله از طرف وزارت معارف اعلانی انتشار یافت که شرایط شرکت کنندگان در مسابقه اعزاز محصل را بشرح ذیل تعیین میکرد:

الف - شرایط قبل از مسابقه

- ۱- مطابق آنچه در شورای ملی مذاکره شده داوطلب باید بی بضاعت باشد یعنی اولیای او قدرت تحمل مخارج او را در خارجه نداشته باشند.
- ۲- سن کمتر از پانزده و بیشتر از بیست نباشد.
- ۳- باید متأهل نباشد.

ب - مواد مسابقه

اول زبان فارسی :

- ۱- دیکته از روی یکی از کتب فصحاء
 - ۲- نوشتن يك کاغذ یا چیز دیگر که موضوعش قبل از وقت معین شده باشد.
- دوم زبان عربی : ۱- اصول صرف و نحو

۱- مطالب این قسمت مأخوذ است از سلسله مقالات آقای محیط طباطبائی در موضوع اعزاز محصل باروپا و کتاب یادگار عمر تألیف آقای دکتر صدیق

سوم زبان فرانسه یا انگلیسی یا آلمانی :

۱- دیکته از تصدیق نامه ابتدائی

۲- تم از عبارات سهله

۳- صحبت پنج دقیقه

۴- تکلیف کتبی که موضوعش قبل از وقت تعیین شده باشد.

چهارم - تاریخ ایران و عمومی هردو باختصار

پنجم - جغرافیای ایران و پنج قطعه هردو باختصار

ششم - ریاضیات : ۱- حساب کاملاً ۲- هندسه چهار مقاله (سطحات)

۳- جبر یکدرجه

هفتم - تاریخ طبیعی و علوم طبیعی باندازه کتاب دوم پلبر

ج - مواد ایضاحیه

۱- مابین داوطلبانی که [در] مسابقه [شرکت] کرده اند فقط سی نفری که مجموع نمره های آنها از دیگران زیادتر است تعیین خواهند شد.

۲- راجع بتساوی نمره دو نفر که بتجدید امتحان یا قرعه منتهی میشود.

۳- چنانکه شاگردی دیپلمی مطابق دیپلم باشلیه داشته باشد از شرط حداکثر سن و مسابقه معاف خواهد بود و باید امتحان زبان فارسی را بدهد.

۴- اگر شاگرد ایرانی بی بضاعتی در اروپا مشغول تحصیل است و مدیر مدرسه جد و جهد او را تصدیق میکند ممکن است جزو این سی نفر محسوب شود .

۵- تاریخ بسته شدن دفتر ثبت اسم.

۶- تاریخ شروع امتحان .

۷- داوطلبانی که پس از مسابقه برای اعزام باروپا معین شدند باید کتباً متعهد شوند که پس از فراغت تحصیل و مراجعت مدت ده سال بوظیفه خدمتی که دولت معین مینماید در ادارات دولتی قبول خدمت نمایند.

پس از انتشار اعلان ، در اندک مدتی یکصد و چهل و شش نفر داوطلب در دارالفنون برای ثبت نام مراجعه کردند. روز ۱۵ سرطان (تیر) ۱۲۹۰ شمسی دفتر ثبت نام بسته شد و روز ۲۰ آن برج اطبای وزارت معارف داوطلبان را معاینه کردند و در همان روز امتحانات شروع شد و تا آخر آن ماه ادامه یافت .
در اوایل مرداد ۱۲۹۰ شمسی امتحانات تمام و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد^۱.

آقایان مفصله ذیل در مسابقه قبول و برای رفتن باروپا معین شدند :

۱- غلامحسین فرزند میرزا محمدخان	۹- عبدالله خان ولد پیرزاده - پیرزاده
۲- زمانخان ولد میرزا محمدعلی خان - بهنام	۱۰- غلامعلی خان ولد مرحوم میرزا ناصر
۳- میرزا محمد ولد میرزا صادق - وحید	۱۱- محسن خان ولد محمد علی خان
تنکابنی	۱۲- میرزا جعفر خان ولد نجم الدوله حکیمی
۴- میرزا علی آقا ولد حکیم ریاضی	۱۳- میرزا علی اکبر خان ولد مسیح الدوله - داریوش
سرلشکر ریاضی	۱۴- میرزا اشرف ولد میرزا فضل الله اشرف
۵- محمود خان ولد محمد تقی خان	۱۵- میرزا علی خان ولد نجم الدوله حکیمی
مرشد زاده	۱۶- رضاخان ولد فهیم السلطنه - فهیمی
۶- احمدخان ولد میرزا اسدالله - اردشیر	۱۷- محمود میرزا ولد محمد حسین میرزا - والا
۷- عیسی خان ولد میرزا عبدالله ^۲ - دکتر	
صدیق	
۸- میرزا علی اکبر ولد حاجی محمد حسین- دکتر سیاسی	

۱- مقالات آقای محیط طباطبائی بنقل از روزنامه رسمی ش ۳۲ و ش ۴۷ ص ۲۸
۲- خودایشان مرقوم فرموده اند من در امتحان مسابقه رتبه ششم را بدست آوردم . یادگار عمر چ ۲ ص ۳۵

- ۱۸- غلامحسین خان ولد رمضانعلی خان^۱
- ۱۹- ابوالقاسم خان ولد مرحوم محمد علی خان ذوالریاستین
- ۲۰- میرزا محمد علیخان ولد مرحوم میرزا علیمحمد ملاماشی - رهنما
- ۲۱- میرزا فرج الله خان ولد میرزا افتخار
- ۲۲- حبیب الله خان ولد مرحوم حاجی میرزا عبدالله - صحیحی
- آقایان ذیل اشخاصی هستند که دارای دیپلم باشلیه بوده ، برای رفتن باروپا معین شده اند
- ۲۳- سیف الله خان ولد شهاب الممالک مرحوم سرتیب شهاب
- ۲۴- میرزا علی اکبر خان ولد میرزا حسین خان- میرزا علی اکبر خان بهمین

- وی چون در کونسولگری ایران در اسلامبول مشغول خدمت بود مستقیماً از آنجا پیاریس رفت^۲
- ۲۵- میرزا محمود خان ولد میرزا ابراهیم رشتی- مرحوم میرزا محمودخان رشتی
- و اشخاص ذیل از جمله شاگردهای ایرانی هستند که در اروپا مشغول تحصیل بوده بوزارت معارف محقق شده است که بواسطه عدم تمکن واستطاعت قوه اتمام تحصیلات خود را ندارند جزو سی نفر شاگرد که باید بخرج دولت تحصیل کنند قبول شده اند.
- ۲۶- سید محمد علی خان جمالزاده
- ۲۷- حسن آقا میرزا سید علی
- ۲۸- محمد مهدیخان تبریزی
- ۲۹- بیو کخان ولد محمدخان قزوینی
- ۳۰- رضاقلیخان ولد محمدقلیخان مهندس

باین ترتیب بیست و پنج نفر از طهران و پنج نفر از اروپا معین شدند که بموجب قانون در اروپا بتحصیل پردازند . این عده را بموجب ماده اول قانون مزبور برای شعب ذیل انتخاب کردند:

معلمی ۱۵ نفر ، سواره نظام ۲ نفر ، پیاده نظام ۲ نفر ، توپخانه ۲ نفر ،

- ۱- در فهرست آقای دکتر صدیق عده بیست و سه نفر است و یک نام غلامحسین خان (داراب)
- ۲- افعال ناظر به اعلامیه ای است که در آن زمان صادر شده است ۳- یادگار عمر چ ۲ ص ۴۰

مهندسی نظام یکنفر ، صاحب منصب اداری یکنفر ، مدرسه فلاحت مخصوص ابریشم یکنفر ، فلاحت عمومی یکنفر ، مهندسی طرق و شوارع دو نفر ، مدرسه حرف و صنایع دو نفر ، شیمیست یکنفر^۱.

در ضمن امتحان مسابقه کابینه سپهدار مجدداً ترمیم و آقای میرزا ابراهیم خان حکیمی (مرحوم حکیم الملك) وزیر معارف شد (۲۷ تیر ۱۲۹۰- ۲۲ رجب ۱۳۲۹) بقول آقای دکتر صدیق که خود جزو این عده بوده اند : « ... تابستان رویایان رفت و از اعزام پذیرفته شدگان خبری نشد... معلوم شد علت ... موجود نبودن وجه بود ... »^۲ با مساعدت حکیم الملك و مستر شوستر خزانه دار کل سه هزار تومان خرج سفر سی نفر و مخارج تحصیل سه ماهه ایشان فراهم و در اختیار وزارت معارف گذارده شد . مرحوم یوسف خان مؤدب الملك پسر مرحوم ریشارد خان که اوهم مانند پدرش معلم دارالفنون بود سرپرستی آنها معین گشت. غالب محصلین اعزامی باندازه کافی و رفع احتیاج زبان فرانسه نمیدانستند و از اینرو تا مدتی از تحصیل خود چندان استفاده ای ننمیدودند^۳ ولی بهر حال این تقویت زبان بایست در فرانسه و در میان فرانسویان صورت گیرد و دولت چاره نداشت که آنها را با همان معلومات باروپا گسیل دارد .

بهر صورت عصر روزی که برای حرکت معین شده بود حکیم الملك وزیر فرهنگ و نیر الملك رئیس دارالفنون و معاون وزارت فرهنگ و زعمای وزارتخانه و جمعی از اولیای محصلین در دارالفنون که محل وزارتخانه بود حاضر شدند و پس از نطق های مختصری که ایراد شده رشش نفر در دلجانی نشسته با اشتیاقی زاید الوصف ... عازم انزلی (که بعدها موسوم به « بندر پهلوی » شد) گشتند ... از تهران تا بندر پهلوی هر زمان مجال دست میداد که محصلین گرد هم جمع شوند ، مؤدب الملك از آداب معاشرت در اروپا سخن میگفت و آنها را در استعمال کارد و چنگال ماهر

۱- مقالات آقای محیط طباطبائی ۲- یادگار عمر چ ۲ ص ۳۵ ۳- مقالات آقای محیط طباطبائی و آقای دکتر صدیق (یادگار عمر چ ۱ ص ۵۲)

می ساخت ... لباس سفرشان طبق دستور سرپرستی عبارت بود ازکت وجلیقه بافوکل و دستمال گردن و کلاه ماهوت مشکی بشکل مخروط ناقص که کلاه مرسوم آن زمان بود ...^۱ یعنی بعد از صدسال بازهم محصلین ایرانی بواسطه کلاه خود در اروپا انگشت نما بودند .

موضوع سرپرستی در اروپا - ضمن ماده پنجم طرح پیشنهادی ، حقوقی در حدود دوهزار تومان در سال ، برای سرپرست محصلین پیش بینی شده بود که در اثر مخالفت یا اختلاف نظر و کلا و موافقت معاون وزارت معارف (مرحوم نیر المملک هدایت) این ماده اساساً حذف شد ولی ظاهراً پیش از آن که متن قانون در خارج از ایران انعکاس یابد خبر اعزام محصلین ایران در اروپا انتشار یافت و در نتیجه در پاریس انجمنی برپاست «لامیر» نام که در زمان مظفرالدین شاه معلم یکی از شاهزادگان بود برای کمک بمحصلین ایرانی تشکیل شد و این انجمن مرامنامه و نظامنامه ای برای کار خود تعیین نمود. و گویا بهمین مناسبت هم مرحوم صمد خان ممتاز السلطنه «وزیر مختار ایران در پاریس کار سرپرستی را که اساساً از وظایف خود وی بود بشخص مزبور واگذار کرد».

ورود محصلین - چون محصلین پاریس رسیدند بدستور وزیر مختار آنها را بمدرسه شبانه روزی خصوصی بنام «دولالینو دولانو»^۲ بردند و قریب دوسه هفته در آنجا نگهداشتند تا سفارت ایران با اولیای وزارت خارجه و وزارت فرهنگ فرانسه مذاکره کرد و مدرسه هریک را بشرح زیر معین نمودند:

برای معلمی :

میرزا محمود مرشد زاده و عبدالله خان پیرزاده و عیسی صدیق دانش سرای «ورسای» در سه فرسخی جنوب پاریس

میرزا علی اکبرخان سیاسی و رضا خان فهیمی و محمد علی خان رهنما

۱- یادگار عمر ج ۲ ص ۴۲ - ۲- مقالات آقای محیط طباطبائی

۳- Duvigneau Delanneau

دانشسرای «روآن» در ۲۴ فرسخی شمال غرب پاریس
اشرف خان اشرف و حبیب الله خان صحیحی دانشسرای «ملن» در ۷ فرسخی جنوب شرقی پاریس

غلامعلی خان شیبانی و اسمعیل خان مرآت دانشسرای «بلوآ» در ۳۰ فرسخی جنوب غربی پاریس

حبیب الله خان شهاب در دانشسرای «دیژرون» (در صورتیکه نام او جزو محصلین اعلان نشده بود)
برای نظام :

زمان خان بهنام و محمود میرزا والا مدرسه توپخانه «فوتن بلو» نزدیک «ملن»

علی خان ریاضی مدرسه مهندسی نظام ورسای
سیف الله خان شهاب و جعفر خان حکیمی مدرسه سواره نظام «سومور»
سلیمان خان هدایت و علی خان حکیمی و غلامعلی خان قریب مدارس نظام «سن سیر» و «ونسن»

برای مهندسی و فلاحت :

محمد خان وحید تنکابی مدرسه مهندسی مرکزی «لیون»

ابوالقاسم خان ذوالریاستین مدرسه کشاورزی «گرینیون»

محمودخان رشتی مدرسه پرورش کرم ابریشم در «مون پلیه»

سه تن از محصلین یعنی احمدحان (اردشیر) و غلامحسین خان (داراب) و علی اکبرخان (داریوش) را که در طهران زبان انگلیسی امتحان داده بودند ، در پاریس بفرارگرفتن زبان فرانسه وادار کردند ، از اینجهت هر سه مخفیانه از پاریس خارج شده بلندن رفتند و ممتازالسلطنه چون نتوانست ایشان را بازگرداند وسیله پرداخت ماهیانه شان را در لندن فراهم آورد^۲. میرزا علی اکبر خان بهمین

۱ - یادگار عمر ج ۱ ص ۴۵ و ۴۶ - ۲- مقالات آقای محیط طباطبائی - آقای دکتر صدیق نوشته اند این سه تن بانگلستان اعزام شدند